

نگاهی تحلیلی به نقش اختلافات سیاسی در دوران بحران های ملی

طرح نو؛ سردبیر

تاریخ معاصر ایران سرشار از نقاط مبهم و کمتر واکاوی شده ای است که هر یک می تواند نشانه ای از فراز و فرودهای سیاست خارجی، ضعف ها و مصلحت اندیشی های حاکم بر تصمیم گیری های کلان کشور باشد. یکی از این نقاط، منطقه ای کوچک اما راهبردی در شمال غرب ایران است که در ادبیات تاریخی و سیاسی با عنوان «انگشت آنا تُرک» شناخته می شود؛ نواری باریک از خاک که امروزه تنها مرز زمینی جمهوری خودمختار نخجوان با ترکیه را تشکیل می دهد، اما در گذشته بخشی از سرزمین ایران به شمار می رفت.

هدف این نوشتار، نگاهی کوتاه اما تحلیلی به پیشینه ی تاریخی منطقه ی نخجوان، نحوه ی شکل گیری مرز فعلی ایران و ترکیه، و نقش پیمان سعدآباد در واگذاری بخشی از ارتفاعات آرارات به ترکیه است؛ واگذاری ای که به تعبیر برخی تاریخ نگاران، «معامله ای یکسر برد» برای دولت ترکیه و نمونه ای از خسارت های دیپلماتیک برای ایران بود.

نخجوان، کره گاهی تاریخی در قفقاز

منطقه ی نخجوان از دیرباز بخشی از حوزه ی تمدنی و سیاسی ایران محسوب می شد. این ناحیه، به ویژه در دوره های صفوی و قاجار، نقشی مهم در معادلات قفقاز ایفا می کرد و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، همواره در معرض رقابت قدرت های منطقه ای و فرماندهی قرار داشت. پس از جنگ های ایران و روسیه و امضای عهدنامه های گلستان و ترکمانچای در قرن نوزدهم، بخش های.....



منطقه ای در مرز ایران و ترکیه موسوم به «انگشت آنا تُرک»؛

تحلیلی بر واگذاری باریکه ی قره سو و پیامدهای ژئوپلیتیک آن در قفقاز

در صفحه ۲

بحران آب و انرژی در ایران و جهان

طرح نو؛ سردبیر

جهان امروز با بحران های همزمان و فزاینده ای در دو حوزه حیاتی آب و انرژی روبرو است. تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، توسعه صنعتی و الگوهای مصرف ناپایدار، فشار بی سابقه ای را بر منابع طبیعی وارد کرده و امنیت آبی و انرژی را در سراسر جهان به چالش کشیده است. این مطلب کوتاه به بررسی ابعاد مختلف این بحران ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی آن می پردازد.

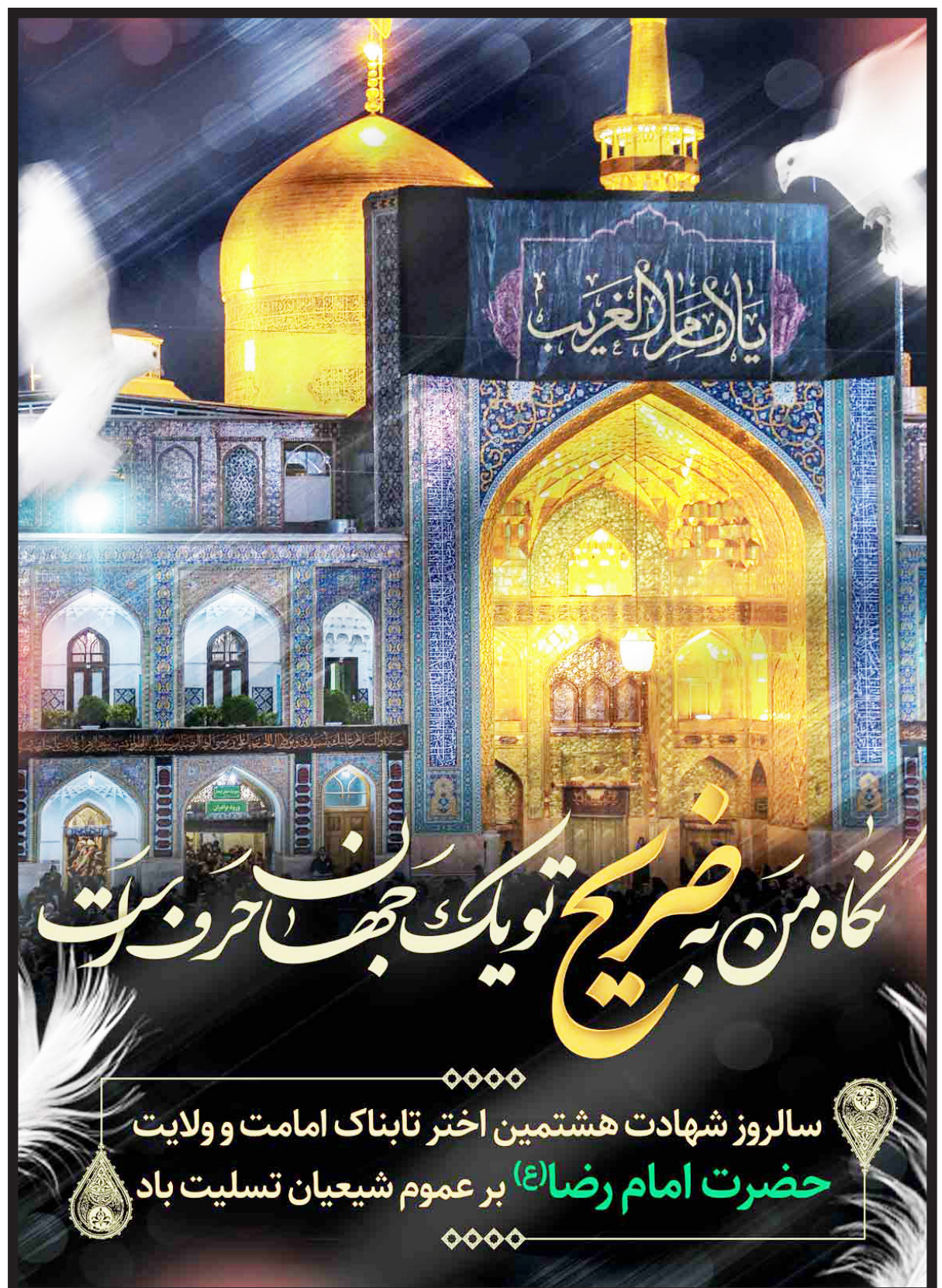
بحران جهانی آب؛ از کمبود تا آلودگی

کمبود آب آشامیدنی و مصارف کشاورزی یکی از جدی ترین چالش های قرن ۲۱ در جهان و از جمله در ایران است. بر اساس گزارش های سازمان ملل متحد، بیش از دو میلیارد نفر در جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و پیش بینی می شود این رقم با تشدید تغییرات اقلیمی و افزایش خشکسالی ها، افزایش یابد. مناطق نیمه خشک و خشک، به ویژه در آفریقا، خاورمیانه و بخش هایی از آسیا، بیشترین آسیب را از این بحران متحمل می شوند. علاوه بر کمبود فیزیکی آب.....

دموکراسی در ترکیه بر لبه پرتگاه انحلال احزاب و قفل شدگی سیاسی

شهردار تبریز خبر داد:

آغاز احداث پارکینگ طبقاتی پارک باغشمال با ظرفیت ۱۵۰۰ خودرو



دموکراسی در ترکیه بر لبه پرتگاه انحلال احزاب

و قفل شدگی سیاسی



ترکیه سخن گفته و روند عضویت این کشور در اتحادیه اروپا را عملاً متوقف‌شده توصیف کرده است. گزارش‌های Freedom House ترکیه را در سال ۲۰۲۵ با امتیاز ۳۳ از ۱۰۰ در زمره کشورهای «غیرآزاد» و در میان دهه کشوری قرار داده‌اند که شدیدترین افول آزادی را در دهه اخیر تجربه کرده‌اند. پارلمان اروپا نیز اقداماتی مانند برکناری شهرداران منتخب مخالف و جایگزینی آنان با «امین‌های دولتی را به صراحت محکوم کرده است. با این حال، ملاحظات امنیتی اروپا، به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون سوریه و اوکراین، همچنان ترکیه را در مقام «شریک کلیدی» نگاه داشته و مانع از قطع کامل پیوندهای سیاسی و راهبردی با آن شده است.

نتیجه‌گیری

ترکیه اکنون در آستانه تحولی مهم در ساختار دموکراتیک خود قرار دارد. ابزار انحلال احزاب که زمانی عمدتاً متوجه جریان‌های اسلام‌گرا و کرد بود، امروز به روشی نظام‌مند برای بازطراحی کل میدان سیاست تبدیل شده است. نهادهای قضایی که باید تضمین‌گر عدالت و دموکراسی باشند، به ابزار حذف مخالفان بدل شده‌اند و احزاب سیاسی، حتی بزرگ‌ترین و ریشه‌دارترین آنها، در برابر مداخله قوه قضائیه آسیب‌پذیر شده‌اند. دموکراسی ترکیه، همان‌گونه که تحلیل‌گران تأکید کرده‌اند، در یک «قفل‌شدگی سیاسی» گرفتار آمده است؛ قفل‌شدگی‌ای که راه‌های خروج از آن هر روز محدودتر می‌شود. آینده این کشور تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا جامعه مدنی، احزاب مخالف و جامعه بین‌المللی می‌توانند مانعی در برابر این روند فزاینده اقتدارگرایی ایجاد کنند یا اینکه ترکیه به‌تدریج و به‌طور کامل از باشگاه دموکراسی‌های معاصر خارج خواهد شد.

پلیس مقر حزب را تصرف کرد و رهبری منتخب را از ساختمان بیرون راند. به گفته سلیم چویک، تحلیلگر مسائل ترکیه، هدف این اقدام نه صرفاً تضعیف مخالفان، بلکه «بازطراحی» آنان از درون است؛ یعنی ایجاد مخالفانی که همچنان باقی بمانند، اما تحت رهبری‌ای مناسب‌تر برای حاکمیت و قابل‌کنترل‌تر از منظر قدرت سیاسی. این دقیقاً همان چیزی است که اردوغان در آوریل ۲۰۲۶ وعده داده بود: «بازودی مخالفان اصلی‌ای که ترکیه سزاوار آن است.» چنین گزاره‌ای، اگرچه در ظاهر حامل زبان رقابت سیاسی است، اما در عمل به معنای مهندسی صحنه اپوزیسیون و کنترل حد و مرزهای مخالفت است.

فشار بر CHP تنها بخشی از این روند است. در کنار آن، فشار بر احزاب کرد نیز همچنان ادامه دارد و دادگاه قانون اساسی در سال‌های اخیر احزاب متعددی را منحل کرده است. این الگو اما دیگر به احزاب کرد محدود نیست و نشانه‌هایی از تعمیم آن به سایر جریان‌ها نیز دیده می‌شود. در ژوئیه ۲۰۲۶، احمد داووداوغلو، نخست‌وزیر سابق ترکیه و از منتقدان اردوغان، از کناره‌گیری از سیاست حزبی و انحلال «حزب آینده» خبر داد و اعلام کرد که «نظام سیاسی ترکیه توانایی اصلاح خود را از دست داده است.» این سخن، بیش از آنکه صرفاً یک موضع‌گیری فردی باشد، بازتابی از بن‌بست ساختاری در فضای سیاسی ترکیه است؛ فضایی که در آن، رقابت حزبی به‌تدریج جای خود را به حذف، فرسایش و کنترل می‌دهد.

واکنش بین‌المللی و چشم‌انداز پیش‌رو

جامعه بین‌المللی نسبت به این روند واکنش نشان داده است. کمیسیون اروپا در گزارش سال ۲۰۲۵ خود از «پسرفت دموکراتیک»، «تضعیف استقلال قضایی» و «محدودیت آزادی‌های اساسی» در

طرح نو؛ حسن مرادخانن ترکیه در دهه اخیر همواره به عنوان کشوری که میان دموکراسی و اقتدارگرایی در نوسان بوده است، مورد توجه تحلیل‌گران قرار داشته است. با این حال، رویدادهای سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که این نوسان دیگر صرفاً یک رفت و برگشت سیاسی نیست، بلکه جای خود را به یک دگرگونی کیفی داده است. نظام سیاسی ترکیه از سرکوب مستقیم مخالفان به سوی «بازطراحی» آنان حرکت کرده و ابزار انحلال، تضعیف یا مهار احزاب را به شکلی بی‌سابقه به کار گرفته است. در چنین شرایطی، دموکراسی ترکیه نه در یک لحظه بحرانی، بلکه در قالب یک فرایند مستمر و فرساینده در حال تهی‌شدن از معناست؛ فرایندی که «قفل‌شدگی سیاسی» را به مانعی ساختاری برای گذار از مرحله استقرار به مرحله تحکیم دموکراسی بدل کرده است.

پیشینه‌ای طولانی، اما با نوآوری تازه

انحلال احزاب در ترکیه سابقه‌ای دیرینه دارد. از حزب رفاه در سال ۱۹۹۸ تا فهرستی بلند از احزاب کرد، از جمله حزب جامعه دموکراتیک و حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP)، دادگاه‌های ترکیه بارها در روندی سیاسی-حقوقی به انحلال احزاب روی آورده‌اند. با این حال، آنچه در سال‌های اخیر رخ داده، صرفاً تکرار همان سنت قدیمی نیست، بلکه گامی فراتر از آن به شمار می‌رود. به گفته تحلیل‌گران، رژیم اردوغان با نوعی «نوآوری» در همان رویه دیرینه بستن و حذف احزاب، اکنون از طریق انتصاب «امین» یا متولی برای هدایت حزب اصلی مخالف، یعنی حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP)، وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن، به جای حذف کامل رقیب، تلاش می‌شود ساختار درونی آن از بیرون و درون هم‌زمان مهار و بازآرایی شود.

مهم‌ترین رویداد در این زمینه، رأی دادگاه تجدیدنظر آنکارا در ۲۱ مه ۲۰۲۶ بود؛ رأیی که کنگره سال ۲۰۲۳ حزب جمهوری‌خواه خلق (CHP) را، به بهانه خرید رأی میان نمایندگان، باطل کرد و رهبری این حزب را به کمال قلیچ‌داراوغلو، رقیب شکست‌خورده اوزگور اوزل، بازگرداند. کارشناسان حقوقی ترکیه بر غیرقانونی بودن این رأی تأکید کرده‌اند؛ زیرا بر اساس قانون اساسی و قواعد انتخاباتی، تنها شورای عالی انتخابات صلاحیت ابطال انتخابات درون‌حزبی را دارد. با این همه، نظام قضایی ترکیه در سال‌های اخیر به ابزاری در خدمت مهار مخالفان تبدیل شده است؛ ابزاری که نه بی‌طرفی حقوقی، بلکه کارکرد سیاسی آن برجسته‌تر شده است.

نتیجه این رأی، صحنه‌هایی بی‌سابقه و کم‌سابقه بود:

تحلیلی بر واگذاری باریکه‌ی قره‌سو و پیامدهای

ژئوپلیتیک آن در قفقاز

ایران، ترکیه، عراق و افغانستان به امضا رسید. مفاد اصلی این پیمان بر احترام به تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و پرهیز از تجاوز تأکید داشت. در فضای پرتنش دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی و با نگرانی قدرت‌های غربی از گسترش نفوذ کمونیسم، چنین پیمانی در نگاه اول گامی مثبت برای ثبات منطقه‌ای به نظر می‌رسید. با این حال، بررسی دقیق‌تر نتایج عملی پیمان نشان می‌دهد که ایران در جریان توافقات جانبی و تعیین خطوط مرزی، متحمل خسارات قابل توجهی شد. یکی از مهم‌ترین این موارد، واگذاری بخشی از ارتفاعات آرارات به ترکیه بود؛ منطقه‌ای که بعدها نقش کلیدی در اتصال ترکیه به نخجوان ایفا کرد.

این واگذاری شوم این روزها خود را در دلانی موهوم به نام زنگزور (راه ترامپ) هم خودنمایی می‌کند. چون اگر ترکیه مرزی زمینی با نخجوان نداشت، قطعاً طمع تصرف استان سیونیک ارمنستان و اتصال از طریق آن به خاک اصلی جمهوری آذربایجان برای آنکارا و کشورهای غربی هم بلاموضوع بود!

روایت حسین مکی؛ نقدی بر سیاست خارجی دوره رضاشاه

حسین مکی، از تاریخ‌نگاران و رجال سیاسی برجسته‌ی معاصر، در کتاب «تاریخ بیست ساله ایران» به‌صراحت از پیمان سعدآباد به‌عنوان توافقی نامتوازن یاد می‌کند. به‌نوشته‌ی او، این پیمان «از جهاتی به ضرر ایران و به نفع سه کشور دیگر تمام شد.» مکی توضیح می‌دهد که ترکیه در قبال واگذاری شهر قطور، توانست بخش مهمی از ارتفاعات آرارات را به دست آورد؛ اقدامی که در نهایت به تثبیت همان مرز باریک موسوم به «انگشت آتاتُرک» انجامید.

از سوی دیگر، تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز به زیان ایران صورت گرفت و امتیازاتی چون منابع نفتی غرب کشور و اداری کامل اروندرود عملاً به عراق واگذار شد. افغانستان نیز با امضای این پیمان، از هرگونه تلاش احتمالی ایران برای بازگرداندن مناطق تاجیک‌نشین مصون ماند. به تعبیر مکی، «برندگی واقعی اما غایب این پیمان، بریتانیا بود که با ایجاد کمربندی از دولت‌های همسو، سدی در برابر نفوذ کمونیسم بنا کرد. نکته‌ی قابل تأمل آن است که با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ توسط نیروهای انگلیس و شوروی، هیچ‌یک از کشورهای امضاکندهی پیمان سعدآباد به یاری ایران نشتافتند؛ امری که به‌خوبی شکنندگی و بی‌اعتباری تضمین‌های سیاسی آن دوره را نشان می‌دهد.

در پایان متذکر می‌شوم که منطقه‌ی موسوم به «انگشت آتاتُرک» اگر چه از نظر جغرافیایی منطقه‌ای کوچک است، اما از منظر تاریخی و ژئوپلیتیکی نمادی از تصمیمات پرهزینه‌ی سیاست خارجی ایران در دوره‌ی معاصر به شمار می‌رود. بررسی سرگذشت این نوار باریک، نه صرفاً برای یادآوری یک واگذاری سرزمینی، بلکه برای فهم بهتر سازوکار قدرت، دیپلماسی و منافع ملی در بزنگاه‌های تاریخی اهمیت دارد. تاریخ، اگر درست خوانده شود، می‌تواند چراغ راه آینده باشد؛ و چنین برگ‌هایی از آن، بیش از هر چیز، ما را به دقت، هوشیاری و مسئولیت‌پذیری در تصمیم‌گیری‌های کلان فرا می‌خواند.

پی‌نوشت:

۱- مکی، حسین(۱۳۶۲)، تاریخ بیست ساله ایران، تهران: نشر ناشر، جلد چهارم

گزارش

نگاهی تحلیلی به نقش اختلافات سیاسی در دوران بحران‌های ملی

طرح نو؛ سردبیر

بحران‌ها، آیینیهی ماهیت واقعی ملت‌ها هستند. جنگ، بلاای طبیعی، حملات خارجی یا بحران‌های امنیتی، همگی لحظاتی هستند که نه‌تنها قدرت و توان اجرایی یک دولت و ملت را محک می‌زنند، بلکه بلوغ سیاسی احزاب و گروه‌های مختلف کشور را نیز به نمایش می‌گذارند. اما واقعیتی این است که در بسیاری از کشورها تجربه نشان داده که در بحبوحه‌ی بحران‌های ملی، اختلافات سیاسی گاهی نه‌تنها کاهش نمی‌یابند، بلکه تشدید هم می‌شوند؛ و این اتفاق می‌تواند امنیت ملی، انسجام اجتماعی و اقتدار کشور را به خطر اندازد. در جنگ ۱۲ روزه‌ی غرب و اسرائیل علیه ایران، جنگ ۴۰ روزه و این اواخر حملات ۱۵ روزه‌ی آمریکا به جنوب کشور، هرچند شاهد اتفاق مبارک اتحاد و انسجام ملی بین تمام ایرانیان بودیم، اما بعد از آتش بس، شاهد بودیم و هستیم که علیرغم تأکیدات رهبری بر «اتحاد مقدس»، برخی اختلافات میان جناح‌های سیاسی سربرآورده و عاملی شده برای ایجاد بحران‌های کوتاه و مقطعی در این شرایط حساس کشور!

سیاست در زمان بحران؛ ابزار حل مسئله یا عامل تعمیق بحران؟

در شرایطی که کشور با یک بحران بزرگ مانند جنگ یا تهدید خارجی روبه‌روست، انتظار طبیعی مردم و

طرح نو بررسی می‌کند:



نخبگان این است که احزاب، جناح‌ها، گروه‌های فکری و حتی چهره‌های مستقل سیاسی، منافع ملی را بر منافع جناحی ترجیح دهند.

اما گاهی دیده می‌شود که برخی گروه‌ها به‌جای هم‌صدایی با حاکمیت و مردم، از فضای بحرانی برای تسویه‌حساب سیاسی یا تقویت جایگاه خود استفاده می‌کنند. این روند، کشور را به جای انسجام، به سمت

– ایران در دوران دفاع مقدس، علیرغم تفاوت‌های فکری، نوعی اجماع عمومی برای مقابله با دشمن خارجی شکل گرفت که موجب حفظ تمامیت ارضی کشور شد. در بحران‌های اخیر مانند جنگ‌های منطقه‌ای یا تهدیدهای سایبری، کشورهایی که ساختار سیاسی پایدارتری داشتند، توانستند اختلافات داخلی را موقتاً کنار بگذارند تا بحران را مدیریت کنند. در این ارتباط گفت‌وگویی کوتاه با دکتر احسان فلاح، استاد علوم سیاسی انجام دادیم که در ادامه تقدیم می‌شود:

چرا اختلافات سیاسی در زمان بحران‌ها تا این حد خطرناک است؟

فلاح: «چون در چنین زمان‌هایی، کشور در موقعیت آسیب‌پذیری قرار دارد. هر نوع تفرقه، به دشمن پیام ضعف و ناهماهنگی می‌دهد. مردم نیز دچار سردرگمی می‌شوند. اگر احزاب به جای حمایت از ثبات ملی، منافع جناحی را اولویت دهند، نه‌تنها بحران عمیق‌تر می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به‌کلی از بین می‌رود.»

آیا انتظار حذف کامل اختلافات واقع‌بینانه است؟

فلاح: «نه، اما انتظار می‌رود که این اختلافات در لحظات حساس، مدیریت شوند. سیاست‌مداران باید بتوانند میان «رقابت سیاسی» و «امنیت ملی» مرز قائل شوند. نقد منصفانه و مشارکت فعال در حل بحران، تفاوت دارد با

تحریک یا تضعیف کشور در زمان آسیب.»

راه‌حل چیست؟ چگونه با حفظ تکرر سیاسی، انسجام ایجاد کنیم؟

فلاح: «تشکیل شورای هماهنگی بحران‌های ملی با حضور نمایندگان احزاب و گروه‌ها، بیانیه‌های مشترک از سوی چهره‌های سیاسی با محور حمایت از منافع ملی، ایجاد رسانه‌های مشترک و گفت‌وگو محور برای انتقال پیام‌های وحدت‌آفرین، دعوت از نخبگان مستقل برای میانجی‌گری در فضای رسانه‌ای و پرهیز از افراط‌گرایی و تقویت نقش رهبری‌های فراجناحی و نهادهای مورد اعتماد عمومی چند راه حلی هستند که در این شرایط به کمک خواهند آمده!»

همبستگی، قدرتمندترین سلاح دفاع ملی است

در شرایطی که کشور با تهدیدهای بیرونی یا بحران‌های داخلی روبه‌روست، مسکوت گذاشتن اختلافات سیاسی و صدای همبستگی، قدرتمندترین سلاح دفاع ملی است. احزاب سیاسی، رسانه‌ها و نخبگان باید بدانند که تاریخ، عملکرد آنان را نه بر اساس پیروزی در انتخابات، بلکه بر اساس رفتارشان در روزهای سخت، قضاوت خواهد کرد. زیرا در لحظه‌های بحرانی، تنها چیزی که می‌تواند کشور را نجات دهد، انسجام درونی و وحدت ملی است؛ نه شعار، نه جناح‌بازی.

تیم جوانی داریم، هواداران صبور باشند؛

سر مربی مس سونگون از فصل تازه گفت



طرح‌نو؛ گروه ورزش

سر مربی جدید و بومی تیم فوتسال مس سونگون ورزشان با اشاره به روند آمادسازی این تیم در آستانه لیگ برتر، گفت: تیم جوانی داریم و با تمرینات پرفشار و انگیزه بالا، امیدواریم فصل موفقی را پشت سر بگذاریم.

فرهاد فحیم درباره آخرین وضعیت مس سونگون اظهار داشت: حدود ۴۵ روز است که تمرینات خود را آغاز کرده‌ایم. در این مدت یک اردوی خوب در اردبیل برگزار کردیم و توانستیم فشار مناسبی به بازیکنان وارد کنیم و بدنسازی مطلوبی داشته باشیم.

وی افزود: پس از اردوی اردبیل، دو دیدار دوستانه سنگین نیز در ساه و شازند برگزار کردیم. تیم ما جوان است و به‌تدریج روند پیشرفت خود را طی می‌کند. با انگیزه‌ای که در مجموعه وجود دارد و تمرینات پرفشاری که انجام می‌دهیم، امیدوارم امسال نتایج خوبی به دست آوریم.

سر مربی مس سونگون با درخواست از هواداران برای حمایت از بازیکنان جوان این تیم تأکید کرد: از هواداران عزیز می‌خواهم همانگونه که در سال‌های گذشته از من حمایت کرده‌اند، از این جوان‌ها نیز حمایت کنند. از آن‌ها می‌خواهم صبور باشند چراکه تیم جوانی داریم و آینده روشنی پیش روی این بازیکنان است.

فحیم خاطرنشان کرد: هفت یا هشت بازیکن بومی و مستعد در تیم حضور دارند و واقعاً دوست دارم هواداران از آن‌ها حمایت کنند. این بازیکنان امسال بخش مهمی از تیم ما را تشکیل می‌دهند و با همراهی هواداران می‌توانیم فصل خوبی را رقم بزنیم.

وی در پایان گفت: امیدوارم با کمک خدا و حمایت هواداران، مس سونگون در لیگ برتر به نتایج مطلوبی برسد.

حل مشکل میزبانی استقلال با تصمیم جدید تراکتور

طرح‌نو؛ گروه ورزش

تکلیف میزبانی تیم‌های ایرانی از حریفانشان در آسیا، هنوز نامشخص است. با اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا، تیم‌های ایرانی حاضر در لیگ نخیکنان آسیا و لیگ قهرمانان آسیا ۲، قادر به برگزاری مسابقات‌شان داخل کشور نیستند و به همین خاطر باید کشور سومی را برای میزبانی از حریفان آسیایی انتخاب و معرفی کنند.

پس از این تصمیم AFC علاوه بر کشورهای همسایه و عربی حاشیه خلیج فارس، صحبت‌هایی مبنی بر میزبانی ایرانی‌ها در کشورهای آسیای میانه و به خصوص کشور تاجیکستان هم مطرح شد که ظاهراً نتیجه‌ای نداشته است.

در این بین از ابتدا باشگاه استقلال نگاهی جدی به برگزاری مسابقاتش در شهر بصره عراق داشت و می‌توان گفت اولویت آبی‌ها میزبانی در این شهر بود. از طرفی باشگاه تراکتور هم این شهر را برای میزبانی



گزارش

«خداداد» و «نکونام» بعد از ۲۳ سال دوباره به هم رسیدند!



طرح‌نو؛ گروه ورزش

خداداد عزیزی و جواد نکونام که زمانی سایه یکدیگر را با تیر می‌زدند حالا در تراکتور همکار شده‌اند.

سال ۱۳۸۲ که پاس تهران قهرمان لیگ برتر شد ستاره‌هایی چون خداداد عزیزی و جواد نکونام را داشت که نقش بسیار زیادی در قهرمانی این تیم داشتند.

آن روزها خداداد یک بازیکن کاملاً با تجربه بود و جواد نکونام یک جوان جوانی نام اما اختلاف طرفین از همان زمان‌ها شروع شد و کار به جایی رسید که دوستان مشترک می‌گفتند این دو نفر هرجا می‌نشینند علیه یکدیگر صحبت می‌کنند!

در یک مقطع خیلی‌ها تلاش کردند این دو چهره مطرح را به یکدیگر نزدیک کنند که خیلی موفق نشدند و حالا دست روزگار آنها را در تراکتور به یکدیگر رسانده است. آن هم در حالی که خداداد تا

آستانه توافق با اسپانسر باشگاه پرسپولیس پیش رفته و حتی بر سر مبلغ هم به آنها به توافق رسیده بود. جواد نکونام هم با سه تیم از جمله پیکان، گل گهر

گزارش

آنچه او به لیگ برتر اضافه می‌کند؛

محتویات کوله‌پشتی جواد نکونام در سفر به تبریز!

را بر عهده گرفت که خودش نقشی در شکل گرفتن آن نداشته است.

قطعهٔ هیچکس بهانه عدم نظارت روی نقل و انتقالات و جذب بازیکن را از جواد نکونام نخواهد پذیرفت، زیرا او خودش با تراکتور به توافق رسیده و قبول کرده که در چنین شرایطی هدایت این تیم محبوب را بر عهده بگیرد. اما به هر حال جواد نکونام علاوه بر قابلیت فنی و کاریزمای لازم برای مربیگری، حواشی فراوانی را نیز به همراه داشته و معمولاً رابطه چندان خوبی با تیم‌های رقیب ندارد. شکل خاص رفتار او در مربیگری چندان مورد پسند دیگران نیست و البته بازی کنش‌گرا و گاهی دفاعی استقلال نیز مزید بر علت شد تا در همین ابتدای کار، یک برچسب خاص به سبک مربیگری جواد نکونام الصاق شود. حالا بهترین فرصت لازم برای او فرا رسیده تا خودش را به عنوان یک مربی مدرن و هجومی و البته یکی از نامزدهای احراز سمت هدایت تیم ملی ایران معرفی کند.

تراکتور با در اختیار داشتن بازیکنانی مانند مهدی ترابی، مهدی هاشم‌نژاد، شهریار مغاللو و یکی دو جین ستاره دیگر در بخش هجومی، از ابزار لازم برای ارائه فوتبال تماشایی برخوردار خواهد بود. به خصوص اینکه درآگان اسکوچیچ در دوران حضور خود در این باشگاه تیمی چشم‌نواز و هجومی ساخته بود و حالا جواد نکونام از این حیث بیشتر تحت فشار قرار خواهد گرفت. اما در سمت مقابل او هدایت تیمی پرقدرت را بر عهده گرفته که از منابع مالی لازم برای کسب موفقیت برخوردار بوده، سهمیه لیگ نخیکنان آسیا را در جیب دارد و البته از یک مالک قدرتمند بهره می‌برد.

به هر حال بازگشت جواد نکونام به لیگ برتر قطعاً جذابیت فصل جدید را دوچندان خواهد کرد؛ در فصلی که مربیان محبوبی مانند فرهاد مجیدی، یحیی گل‌محمدی، دراگان اسکوچیچ و حتی علی دایی جایی در لیگ برتر تمام‌ایرانی ندارند، حضور جواد نکونام قطعاً سکانس های جذابی از خوشحالی‌های خشن، مصاحبه‌های تند و البته کیفیت فنی این سرمربی را به نمایش خواهد گذاشت.



قهرمانی در اولین فصل را برای جواد نکونام نقش بر آب کرد. اوضاع استقلال در فصل بعد به قدری وخیم و پیچیده بود که احتمالاً خاطره چندانانی از آن مقطع کوتاه در ذهن جواد نکونام و هواداران استقلال باقی نمانده و دوره حضور او روی نیمکت این تیم خیلی زود به پایان رسید.

اما در شرایطی که در چند ماه اخیر اخباری در مورد احتمال بازگشت جواد نکونام و البته مخالفت یک نفر خاص منتشر شده بود، در نهایت شاهد توافق ستاره سابق تیم ملی با باشگاه تراکتور بودیم؛ جایی که او برای قهرمانی مبارزه خواهد کرد و همه عوامل و ابزار لازم برای کسب موفقیت برای سرمربی جوان فراهم شده است. در فاصله چند روز مانده به آغاز لیگ، جواد نکونام دست به یک ریسک بزرگ زده و هدایت تیمی

به عنوان قهرمانی نداشتند، اما گل جنجالی گولسیانی منجر به تکرار قهرمانی پرسپولیس شده و به طور طبیعی واکنش تند جواد نکونام و مهرداد محمدی و دیگر اعضای باشگاه استقلال را به دنبال داشت.

همچنان در مورد یک تساوی غیرمنتظره و تلخ در قانمشهر صحبت می‌شود؛ جایی که استقلال در حالت عادی برای کسب پیروزی به میدان رفته بود، اما پرسپولیس در تهران و در نیمه اول سه بار دروازه خود را برابر استقلال خوزستان باز شده دید و همه چیز مهبای قهرمانی استقلال بود. وقتی یک هفته قبل آنها با گل ثانیه‌های پایانی گوستاوو بلانکو برابر ذوب‌آهن به برتری رسیدند، صدرنشینی به نام استقلال رقم خورد اما یک غفلت غیرقابل باور و البته بازگشت تاریخی و فراموش‌نشدنی پرسپولیس در ورزشگاه آزادی، رویای

بازگشت او به این باشگاه بودند. اما تغییرات متوالی روی در عرصه مدیریت باشگاه استقلال، در نهایت منجر به اختلاف علنی مدیرعامل با سرمربی وقت استقلال شد. هرچقدر این تیم در زمین مسابقه یک مجموعه منظم، آماده و کم‌خطا بود، در بیرون از میدان همه چیز به کمدی‌ترین شکل ممکن برای این باشگاه پیش رفت. هرچه سرمربی می‌خواست، مورد توجه مدیر وقت قرار نمی‌گرفت و در سوی مقابل نیز جواد نکونام برای کاهش وجه و محبوبیت طرف مقابل، از هیچ تلاشی فروگذار نبود. حتی خبر برکناری این مدیر نیز با برگزاری جشن کوچک در هوایمهای حامل بازیکنان و کادر فنی استقلال همراه بود. در نهایت آن فصل عجیب استقلال به دراماتیک‌ترین شکل ممکن به پایان رسید؛ آنها در هفته پایانی و در ورزشگاه اکباتان فاصله‌ای تا کسب

طرح‌نو؛ گروه ورزش

جواد نکونام طیف هواداران خود را داشته و البته مخالفانی نیز دارد؛ اما به هر حال بازگشت او به لیگ برتر، قطعاً باعث افزایش عنصر جذابیت خواهد بود.

محتویات کوله‌پشتی جواد نکونام در سفر به تبریز! یک فریم از درگیری در دیدار فراموش‌نشدنی تیم ملی ایران در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ برابر قطر در ورزشگاه آزادی، اولین سکانس از آغاز دوران مربیگری جواد نکونام بود. بازیکنی که در دوران حضور خود در میدان و احتمالاً به علت شخصیت کم‌حرف و البته عدم ظهور در ترکیب استقلال یا پرسپولیس، به اندازه‌ای که افتخار کسب کرد محبوب و مورد توجه نبود. جواد نکونام از اواخر دهه ۷۰ و با لباس سبز پرننگ پاس به فوتبال ایران معرفی شده و تا حدود دو دهه بعد، به همه افتخارات ممکن دست یافت. دوره طولانی بازی برای اوساسونا و درخشش چندباره مقابل تیم بزرگ همانند رئال مادرید یا بارسلونا، نام جواد نکونام را به عنوان یکی از بازیکنان قابل احترام فوتبال ایران مطرح کرده است. رابطه نزدیک او با کارلوس کی‌روش منجر، به حضور جواد نکونام در کادر فنی تیم ملی شد اما کمتر کسی در ادامه فهمید که علت جدایی زودهنگام او به صورت دقیق چه بود.

اما چندی بعد جواد نکونام روی نیمکت نساجی، بازگشت به لیگ برتر را جشن گرفت. اوج درخشش جواد نکونام در عرصه مربیگری نیمکت فولاد رقم خورد. جایی که او تبدیل به مایه عذاب پرسپولیس برانکو و یحیی شده و البته با فتح جام حذفی و سوپر جام، اولین افتخاران خود در رده مربیگری را نیز کسب کرد. اما سه سال قبل و در تابستان سال ۱۴۰۲ شاهد حضور جواد نکونام روی نیمکت استقلال بودیم؛ وقتی او به عنوان بازیکن به این تیم آمد هواداران استقلال رویای قهرمانی در آسیا را در ذهن خود پرورش می‌دادند، اما رابطه نکونام و امیر قلعه‌نویی چندان خوب پیش نرفت و او در دی ماه سال ۹۳ از تیم محبوب خود جدا شد. اما این بار جوان نکونام با یک اعتبار و محبوبیت ویژه و در شرایطی هدایت بر عهده گرفت که طرفداران این تیم به شدت منتظر

همه پشت و پناه ما تو هستی



دو چشم بی رمق وا کن پدر جان
غم ما را تماشا کن پدر جان
همه پشت و پناه ما تو هستی
نظر بر حال زهرا کن پدر جان
کنار بسترت احیا بگیرم
میان وادی غم ها بمیرم
پدر جان تودعایت مستجاب است
دعا کن زود بعد از تو بمیرم
کند آه دل تو بی قرارم
به روی صورتت صورت گذارم
خودت گفتی که حورای بهشتیم
توان ضربه سیلی ندارم
پس از تو صبر زهرا سر بیاید
زمان غربت حیدر بیاید
پس از تو خانه ام آتش بگیرد
صدای من ز پشت در بیاید
کشد آتش به دور من زبانه
زنم ناله به زیر تازیانه
بیا بابا که زهرا بی پسر شد
میان این در و دیوار خانه
شاعر: قاسم نعمتی

دست من و دامان تو

من دست خالی آدمم ، دست من و دامان تو
سرتا به پا درد و غم، درد من و درمان تو
تو هر چه خوبی من بدم ، بیهوده بهر در زدم
آخر به این در آدمم ، باشم کنار خوان تو
از هر دری من رانده ام ، من رانده ی و امانده ام
با خوانده ی نا خوانده ام ، اکنون منم مهمان تو
پای من از ره خسته شد ، بال و پر م بشکسته شد
هر در به رویم بسته شد ، جز در گه احسان تو
گفتم منم در می زنم ، گفתי به تو سر می زنم
من هم مکرر می زنم ، کو عهد و کو پیمان تو؟
سوی تو رو آورده ام ، ای خم سبو آورده ام
من آبرو آورده ام ، کو لطف بی پایان تو؟
حال من گوشه نشین ، با گوشه ی چشمی بین
جز سایه ی پر مهر تان ، جایی ندارم جان تو
من خدمتی ننموده ام ، دایم بسی آلوده ام
اما به عمری بوده ام ، چون خار در بستان تو
شاعر: علی انسانی

مفقودی

روزنامه طرح نو

برگ سبز خودروی سواری سمند تیپ ایکس ۷ مدل ۱۳۸۳ به رنگ نقره ای - متالیک شماره موتور 12483052353 شماره شاسی 83215855 و شماره پلاک ۲۵ - ۲۶۹ ص ۶۲ به نام آقای فریدون بازیار طومار سفلی با شماره ملی ۱۶۵۳۰۰۴۶۹۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

روزنامه طرح نو

برگ سبز و سند کارخانه موتورسیکلت سیستم: سفر تیپ: ۱۲۵ CDI نوع سوخت: بنزین رنگ: قرمز مدل: ۱۳۸۶ و شماره تنه: ۱۲۵S۸۶۰۸۴۹ شماره موتور: ۷۱۳۳۵۵۱۶ و شماره پلاک: ایران/ ۳۹۴ - ۵۸۵۳۳ به نام آقای جواد آقازاده اخییجانی با شماره ملی ۱۶۹۹۶۲۵۳۹۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

مدیرکل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی اعلام کرد: همزمان با فرا رسیدن ۲۸ صفر و آیین سوگواری سالروز رحلت پیامبر اکرم (ص) و شهادت امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع)، حدود ۴۰۰ هیأت مذهبی از استان آذربایجان شرقی خود را به حرم مطهر رضوی می‌رسانند تا در این مراسم باشکوه شرکت کنند.

حجت‌الاسلام سیدحسن اصلی‌نژاد، امروز یکشنبه در نشستی خبری به مناسبت هفته خبرنگار از حضور گسترده هیأت‌های مذهبی این استان در مشهد مقدس خبر داد و گفت: از مجموع این هیأت‌ها، ۲۸۰ هیأت متعلق به شهر تبریز هستند و ۱۲ موکب نیز برای خدمت‌رسانی به زائران و عزاداران در این مراسم مشارکت خواهند داشت.

وی با اشاره به استقبال بی‌نظیر مردم این استان افزود: حدود ۲ هزار نفر از عزاداران آذربایجان شرقی با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی، در

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی آذربایجان شرقی از برگزاری دومین جشنواره کتابخوانی عشایری استان در شهرستان کلیبر خبر داد و گفت: این جشنواره با هدف تحقق عدالت فرهنگی برگزار می‌شود.

اسد بابایی عصر یکشنبه در جلسه شورای اداری شهرستان کلیبر با اشاره به برنامه‌ریزی برای برگزاری دومین جشنواره کتابخوانی عشایری آذربایجان شرقی اظهار کرد: برگزاری این جشنواره در راستای مسئولیت‌های فرهنگی نهاد کتابخانه‌های عمومی و با هدف توسعه فرهنگ کتابخوانی و تحقق عدالت فرهنگی در مناطق عشایری استان انجام می‌شود.

وی افزود: در سیاست‌های فرهنگی کتابخانه‌های عمومی، دسترسی عادلانه همه اقشار جامعه به کتاب و خدمات فرهنگی مورد توجه قرار دارد و جامعه عشایری نیز باید متناسب با شرایط زندگی و پراکندگی جغرافیایی خود از خدمات کتابخانه‌ای بهره‌مند شود.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی آذربایجان شرقی زمان برگزاری دومین جشنواره کتابخوانی عشایری استان را نیمه نخست شهریورماه اعلام کرد و گفت: این جشنواره با همکاری استانداری آذربایجان شرقی، اداره‌کل امور عشایر، اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمانداری کلیبر و سایر دستگاه‌های متولی برگزار خواهد شد و تلاش می‌کنیم با حضور مسئولان استانی، این رویداد فرهنگی در سطح مناسبی برگزار شود.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

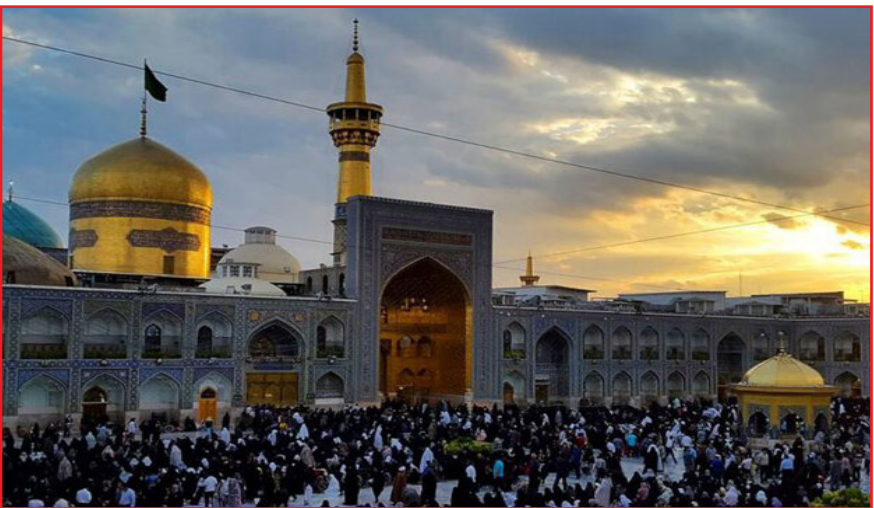
یک شاعر و فعال رسانه درباره کتاب «شاعری در سایه هوش مصنوعی» گفت: در این اثر به هوش مصنوعی به عنوان ابزاری در خدمت شاعر پرداخته شده است؛ تا مشخص شود شاعر در رسانه‌های جدید چه وظایفی دارد و برای انجام آن وظایف چه تخصص‌هایی باید داشته باشد.

محمود اکرامی‌فر شاعر و فعال رسانه با اشاره به اینکه در سال جاری پنج کتاب چاپ کرده است، اظهار کرد: عناوین کتاب‌ها «راذیکال عشق»، «ظلم‌آباد»، «سیمرغ»، «شاعر که باشی» و «شاعری در سایه هوش مصنوعی» است. با توجه به مسئولیت‌هایی که در جایگاه‌های مختلف داشته‌م، به این نتیجه رسیدم که امروز ما در عصر انسان رسانه زندگی می‌کنیم و هر انسانی باید بتواند مهندسی پیام انجام دهد.

این شاعر درباره کتاب «شاعری در سایه هوش مصنوعی» توضیح داد: در این کتاب تلاش کرده‌ام تا خلق واژه صورت گیرد و از کلماتی مانند «شاعر هکر»، «شاعر رسانه» و «خود شاعرپنداری» استفاده

مدیرکل تبلیغات اسلامی استان خبر داد:

اعزام ۴۰۰ هیأت مذهبی از آذربایجان شرقی به مشهد حضور پر شور تبریزی‌ها در سوگ ۲۸ صفر



والای رهبر شهید (قائد شهید) به نمایش بگذارند. مدیرکل تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی در ادامه با گرامیداشت یاد و خاطره خبرنگاران شهید،

برنامه‌های سوگواری ۲۸ صفر در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم (ع) حضور می‌یابند تا ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت و نیز مقام

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان:

دومین جشنواره کتابخوانی عشایری آذربایجان شرقی در کلیبر برگزار می‌شود



نیست و اجرای برنامه‌های فرهنگی و ترویجی نیز بخشی از مأموریت کتابخانه‌های عمومی است. وی بر ضرورت اطلاع‌رسانی مناسب درباره جشنواره تأکید کرد و گفت: پوستر و محتوای تبلیغاتی جشنواره باید از روزهای پیش از برگزاری در فضای مجازی و سطح شهرستان منتشر شود تا جامعه هدف و علاقه‌مندان از زمان و نحوه برگزاری آن مطلع شوند و زمینه حضور گسترده مخاطبان فراهم شود.

فرمانداری کلیبر آماده همکاری برای برگزاری جشنواره است

فرماندار کلیبر نیز در این جلسه با اعلام آمادگی فرمانداری و دستگاه‌های اجرایی شهرستان برای

بابایی با اشاره به ضرورت توجه ویژه به کودکان و نوجوانان عشایر ادامه داد: یکی از اهداف مهم این جشنواره، ایجاد ارتباط مؤثر میان جامعه عشایری و کتابخانه‌های عمومی و فراهم کردن زمینه حضور کودکان و نوجوانان عشایر در برنامه‌های فرهنگی و کتابخوانی است.

وی افزود: این طرح می‌تواند گامی مهم در توسعه عدالت فرهنگی و دسترسی کودکان عشایر و ساکنان مناطق روستایی و کم‌برخوردار به کتاب و خدمات کتابخانه‌ای باشد.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی آذربایجان شرقی با بیان اینکه کتابخانه‌های عمومی امروز به پایگاه‌های فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده‌اند، گفت: ارائه خدمات کتابخانه‌ای تنها به امانت کتاب محدود

بر نقش بی‌بدیل اصحاب رسانه در روشنگری جامعه تأکید کرد و گفت: بزرگترین رسالت خبرنگاران، جلوگیری از بی‌تفاوتی مردم نسبت به رویدادهای اجتماعی و سیاسی است.

وی افزود: هر خانه باید به یک پایگاه رسانه‌ای تبدیل شود تا در کارزار پیچیده جنگ رسانه‌ای، دچار شکست نشویم. اگرچه جنگ رسانه از دیرباز وجود داشته، اما عنصر تعیین‌کننده در پیروزی، همواره «ایمان» بوده است.

حجت‌الاسلام اصلی‌نژاد با تأکید بر ضرورت تبیین هنرمندانه واقعیت‌ها، خاطرنشان کرد: خبرنگاران باید واقعیت‌های میدانی را با زبان هنر به مردم منتقل کنند تا جامعه با بصیرت کامل در برابر توطئه‌های دشمن ایستادگی کند. او کشف حقیقت و آگاه‌سازی مردم در مقابله با اخبار کذب و شبهات را از مهم‌ترین وظایف خطیر خبرنگاران برشمرد و تصریح کرد که این قشر، مسئولیتی سنگین در قبال روشنگری افکار عمومی بر دوش دارند.

برگزاری دومین جشنواره کتابخوانی عشایری اظهار کرد: توجه به مناطق عشایری و فراهم کردن زمینه دسترسی آنان به خدمات فرهنگی، از جمله کتاب و کتابخوانی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

رضا محمدی افزود: فرمانداری کلیبر در کنار اداره‌کل کتابخانه‌های عمومی و اداره‌کل امور عشایر، آمادگی دارد هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های اجرایی شهرستان را برای فراهم کردن امکانات و زیرساخت‌های مورد نیاز برگزاری جشنواره انجام دهد.

وی با اشاره به حضور جامعه عشایری در منطقه گفت: تلاش خواهیم کرد شرایط لازم برای برگزاری مطلوب جشنواره فراهم شود و دستگاه‌های اجرایی شهرستان در حوزه‌های مختلف، همکاری و پشتیبانی لازم را داشته باشند.

فرماندار کلیبر با تأکید بر اهمیت توسعه خدمات فرهنگی در مناطق عشایری ادامه داد: دسترسی عادلانه عشایر و روستاییان به کتاب و برنامه‌های فرهنگی باید به‌عنوان یک اولویت مورد توجه دستگاه‌های متولی قرار گیرد و این موضوع نیازمند همکاری و هم‌افزایی میان مجموعه‌های اجرایی و فرهنگی است.

محمدی خاطرنشان کرد: فرمانداری و دستگاه‌های اجرایی شهرستان کلیبر برای برگزاری هرچه بهتر دومین جشنواره کتابخوانی عشایری و تحقق اهداف فرهنگی آن، همکاری و حمایت لازم را خواهند داشت

در گفتگو با یک شاعر و فعال رسانه مطرح شد؛

شاعر بودن در عصر «هوش مصنوعی»



مصنوعی چه سرنوشت حرفه‌ای خواهد داشت و باید بداند چه بگوید و چطور بگوید تا ماندگار شود؛ یعنی هم حرف تازه بزند، هم تازه صحبت کند. اگر شاعر نکته تازه‌ای داشته باشد، ماندگار

می‌شود؛ در غیر این صورت و در حوزه هنر، افراد متوسط در عصر هوش مصنوعی بلعیده می‌شوند. بنابراین راه ماندن و روایت تجربه زیسته شاعر و

شده است تا مفهوم‌سازی اتفاق بیفتد و در نهایت مشخص شود شاعر در رسانه‌های جدید چه وظایفی دارد و برای انجام آن وظایف چه تخصص‌هایی باید داشته باشد.

او ادامه داد: در این اثر به هوش مصنوعی به عنوان ابزاری در خدمت شاعر پرداخته شده است؛ اینکه شاعری که قرار است ماندگار شود، در عصر هوش

چگونگی انتقال آن در عصر هوش مصنوعی، از جمله مباحث مطرح شده در کتاب است.

داشتن سواد رسانه همان چراغی است که راه افراد را روشن می‌کند

شاعر مجموعه غزل «فرای بعد از تو» با تأکید بر اینکه در این روزها تلفن همراه، رسانه شخصی هر فرد است، ادامه داد: هر فرد می‌تواند به تولید، توزیع و دروازه‌بانی خبر بپردازد. لازمه این کار، به اصطلاح «چو دزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا» است؛ اگر قرار است کالای ارزنده‌تری به دست آید، باید چراغی همراه فرد باشد. در زمینه خبر، داشتن سواد رسانه همان چراغی است که راه افراد را روشن می‌کند تا انواع رسانه‌ها، مخاطب هر رسانه، ظرفیت هر بستر و محدودیت‌های آنها را بشناسد. به گفته اکرامی‌فر هوش مصنوعی مانند یک چاقوی دولبه است؛ هم دارای منفعت است، هم ضرر. اینکه چطور، چه کسی و با چه سوادى از این ابزار استفاده کند، مهم است. انسان‌ها باید مهارت استفاده از هوش مصنوعی را کسب کنند و از این فرصت باید با سواد خود، استفاده کنند.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر

علاقه به مطالعه، پیش از آنکه در مدرسه شکل بگیرد، در خانواده متولد می‌شود و پیش از آنکه با آموزش مستقیم به کودک منتقل شود، از طریق مشاهده و تجربه زندگی روزمره در ذهن او ریشه می‌دواند.

یکی از پرسش‌های اساسی در حوزه تعلیم و تربیت این است که علاقه به مطالعه از کجا آغاز می‌شود؟ آیا کودکان کتاب‌خوان متولد می‌شوند یا کتاب‌خوان تربیت می‌شوند؟ آیا عشق به مطالعه محصول مدرسه است، یا کتابخانه، یا ناشر، یا برنامه‌های فرهنگی؟ یا ریشه آن را باید در جایی عمیق‌تر جست‌وجو کرد؟ پاسخ به این پرسش، از آنچه معمولاً تصور می‌شود، ساده‌تر و در عین حال عمیق‌تر است. علاقه به مطالعه، پیش از آنکه در مدرسه شکل بگیرد، در خانواده متولد می‌شود؛ و پیش از آنکه با آموزش مستقیم به کودک منتقل شود، از طریق مشاهده و تجربه زندگی روزمره در ذهن او ریشه می‌دواند. به همین دلیل است که هرگاه درباره ترویج فرهنگ مطالعه سخن می‌گوییم، نباید نخست به کتاب‌های کودکان فکر کنیم، بلکه باید به کتاب‌هایی بپردازیم که در دستان پدران و مادران قرار دارد.

این جمله شاید در نگاه نخست اغراق‌آمیز به نظر برسد، اما اگر تاریخ تربیت انسان را مرور کنیم، خواهیم دید که تقریباً همه عادت‌های پایدار، پیش از آنکه از راه آموزش رسمی منتقل شوند، از طریق مشاهده و تقلید شکل گرفته‌اند. کودک پیش از آنکه سخن گفتن را بیاموزد، به چهره اطرافیان نگاه می‌کند؛ پیش از آنکه قواعد رفتار اجتماعی را بشناسد، رفتار بزرگ‌ترها را تکرار می‌کند؛ و پیش از آنکه ارزش‌های اخلاقی را در مدرسه بخواند، آن‌ها را در زندگی روزمره خانواده تجربه می‌کند.

مطالعه نیز از این قاعده مستثنا نیست. کودک هرگز از خود آغاز نمی‌کند. او جهان را از دریچه زندگی والدین می‌بیند. وقتی می‌خواهد بفهمد چه چیزی در

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت ملک آذرشهر و نمایندگی ممقان سری ۵۷ (نوبت دوم)

برابر آراء صادره هیأت موضوع قانون مزبور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک آذرشهر تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است.

آگهی از پلاک ۲ اصلی واقع در اراضی قاضیجهان بخش ۳۸ تبریز
شش دانگ یک قطعه زمین زراعی – باغی به مساحت ۵۶۹٫۵۵مترمربع مفروز و مجزا شده از ۴۴۸ فرعی بنام آقای ابوالفضل حاجی نژاد قاضیجهانی فرزند محمد خریداری از اصغر و احمدرضا و فاطمه سلطان همگی حاجی نژادطی قولنامه عادی و سند قطعی –کلاسه ۱۴۰۳۰۲۲۲
۲.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۳۴٫۷۴مترمربع مفروز و مجزا شده از ۷۴۳ فرعی بنام آقای ایوب زینالزاده قاضیجهانی فرزند زین العابدین خریداری از حاجی علی توکلی طی قولنامه عادی –کلاسه ۱۴۰۳۰۸۶۹
۳.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۴۶٫۵۸مترمربع مفروز و مجزا شده از ۷۴۳ فرعی بنام آقای رحیم زینال زاده قاضیجهانی فرزند داود خریداری از داود زینال زاده طی قولنامه عادی –کلاسه ۱۴۰۳۰۸۷۰
۴.۳ سهم از ۲۱۶ سهم عرصه به انضمام ۳۷ سهم از ۲۱۶ سهم اعیان از شش دانگ یک قطعه زمین زراعی– باغی به مساحت ۲۶۰۶٫۴۸ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۹۲۱ فرعی بنام آقای ابوالفضل بابائی قاضی جهانی فرزند بدالله خریداری ازخانم معصومه حقی-کلاسه ۱۴۰۴۱۱۸۴
۵.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۸۰۶٫۰۸مترمربع مفروز و مجزا شده از ۸۸۸ فرعی باقیمانده (که به پلاک ۲۵۱۲ استانداردسازی شده است) بنام بهنام خردمند فرزند احمدخریداری از احمد خردمند طی قولنامه عادی-کلاسه ۱۴۰۴۱۰۸۷

آگهی از پلاک ۳ اصلی واقع در اراضی آخچهجان بخش ۳۸تبریز
۶. ۲۱۵۷۴ سهم از ۴۸۰۰۰سهم شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۰ /۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از ۵۶۲ فرعی بنام آقای یحیی میرزائی آخچهجانی فرزند علی اکبر خریداری از حاج علی اکبر میرزائی آخچهجانی طی قولنامه عادی-کلاسه ۱۴۰۴۰۶۲۳
۷. ۲۶۴۲۶ سهم ۴۸۰۰۰سهم شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۰ /۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از ۵۶۲ فرعی بنام خانم کبری حیدری آخچهجانی فرزند حسین خریداری از حاج علی اکبر میرزائی آخچهجانی طی قولنامه عادی-کلاسه ۱۴۰۴۰۶۲۴

آگهی از پلاک ۳ اصلی واقع در اراضی کلوانق بخش ۱۲تبریز
۸.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۰۶۴۸٫۷۲ مترمربع مفروز و مجزا شده ازاصلی مذکور بنام آقای حسین زمانی کلوانق فرزند حیدرعلی خریداری از خدیجه تقی پور کلوانق طی قولنامه عادی-کلاسه۱۴۰۴۱۱۱۷

این جهان ارزشمند است، به سخنرانی‌ها و توصیه‌ها گوش نمی‌دهد؛ به زندگی کسانی نگاه می‌کند که بیش از همه به آن‌ها اعتماد دارد. اگر پدر و مادر برای کتاب وقت می‌گذارند، اگر از خواندن لذت می‌برند، اگر درباره کتاب گفت‌وگو می‌کنند، اگر هنگام مواجهه با پرسشی تازه به مطالعه روی می‌آورند، کودک بدون آنکه کسی برایش سخنرانی کند، درمی‌یابد که کتاب، بخشی از زندگی یک انسان فرهیخته است. در مقابل، اگر در خانه ساعت‌های طولانی صرف تماشای صفحه‌های نمایش شود، اگر گفت‌وگوهای خانوادگی جای خود را به سکوتی بدهد که هر کس در تلفن همراه خود غرق است، اگر کتاب تنها وسیله‌ای باشد که برای انجام تکالیف مدرسه از قفسه بیرون آورده می‌شود، طبیعی است که کودک نیز مطالعه را فعالیتی کم‌اهمیت یا حتی خسته‌کننده تلقی کند. در چنین شرایطی، حتی اگر هر ماه کتاب‌های فراوانی برای او خریداری شود، احتمال اینکه به مطالعه عشق بوزد، چندان زیاد نخواهد بود. اینجاست که باید میان «تشویق به مطالعه» و «فرهنگ مطالعه» تفاوت قائل



شویم. تشویق، یک رفتار مقطعی است؛ اما فرهنگ، شیوه زندگی است. می‌توان کودکی را با جایزه و امتیاز به خواندن چند کتاب ترغیب کرد، اما نمی‌توان با جایزه، عشق مادام‌العمر به مطالعه را در او ایجاد کرد. عشق به کتاب، زمانی شکل می‌گیرد که کودک احساس کند مطالعه، بخشی طبیعی از زندگی خانواده است؛ همان‌گونه که غذا خوردن، گفت‌وگو کردن یا با هم بودن، بخشی طبیعی از زندگی است. از این منظر، بزرگ‌ترین معلمان مطالعه، نه آموزگاران مدرسه، بلکه والدین هستند.

البته این سخن به معنای آن نیست که والدین باید ساعت‌های طولانی مطالعه کنند یا کتابخانه‌ای بزرگ در خانه داشته باشند. آنچه بر کودک اثر می‌گذارد، بیش از کمیت مطالعه، کیفیت رابطه والدین با کتاب است. کودکی که هر شب می‌بیند پدرش پیش از خواب چند صفحه کتاب می‌خواند، یا مادری که برای یافتن پاسخ یک پرسش به جای جست‌وجوی سطحی، کتابی را ورق می‌زند، تصویری ماندگار از ارزش دانش در ذهن خود ثبت می‌کند. این تصویر، بسیار تأثیرگذارتر

چرا کودکان از والدین کتاب‌خوان الگو می‌گیرند؟

مطالعه؛ پیش از آنکه آموخته شود، زندگی می‌شود

از ده‌ها توصیه مستقیم است. در حقیقت، کودکان بیش از آنکه به آنچه والدین می‌گویند اعتماد کنند، به آنچه والدین انجام می‌دهند اعتماد دارند. این نکته را می‌توان در بسیاری از رفتارهای دیگر نیز مشاهده کرد. هیچ پدر و مادری نمی‌تواند صداقت را به فرزند خود بیاموزد، اگر خود در زندگی روزمره صادق نباشد. هیچ مادری نمی‌تواند احترام به دیگران را آموزش دهد، اگر در رفتار خود احترام را رعایت نکند. مطالعه نیز از همین جنس است. نمی‌توان کودکی را به کتاب‌خوانی دعوت کرد، در حالی که کتاب در زندگی واقعی خانواده جایگاهی ندارد. یکی از خطاهای رایج در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی این است که تمام توجه خود را بر کودک متمرکز می‌کنیم و نقش والدین را نادیده می‌گیریم. نمایشگاه‌های کتاب، جشنواره‌های مطالعه، مسابقات کتاب‌خوانی و برنامه‌های مدارس، همگی ارزشمندند، اما اگر فضای خانه با این تلاش‌ها هماهنگ نباشد، اثر آن‌ها محدود خواهد بود.

خانه، نخستین و ماندگارترین مدرسه مطالعه است. به همین دلیل، هر سیاستی که به دنبال گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی باشد، ناگزیر باید خانواده را در مرکز توجه قرار دهد. باید به جای آنکه فقط از کودک بخواهیم کتاب بخواند، به والدین کمک کنیم تا خود نیز خواننده باشند. زیرا کودک، تنها کتاب را از والدین به ارث نمی‌برد؛ او نگاه آنان به کتاب را نیز به ارث می‌برد.

از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که کتاب‌خوان بودن والدین تنها بر عادت مطالعه کودک اثر نمی‌گذارد، بلکه بر کیفیت رابطه عاطفی میان اعضای خانواده نیز تأثیرگذار است. خانه‌ای که در آن کتاب خوانده می‌شود، معمولاً خانه‌ای است که در آن گفت‌وگو جریان دارد. کتاب، پرسش ایجاد می‌کند، تجربه‌های تازه را وارد زندگی می‌کند، دایره واژگان را گسترش می‌دهد و زمینه گفت‌وگو میان نسل‌ها را فراهم می‌آورد. در چنین خانه‌ای، کودک نه تنها خواندن را می‌آموزد، بلکه شنیدن، اندیشیدن و گفت‌وگو کردن را نیز تمرین

روزنامه طرح نو

شناسه آگهی: ۲۲۳۷۱۶۹

محمداپینی-کلاسه ۱۴۰۴۰۳۷۴
۲۲.شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۶۱،۱۱مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۴۰۴۶ فرعی بنام آقای الهوردی اپینی مقناتی فرزند محمد برابر تقسیم نامه وراث محمداپینی-کلاسه ۱۴۰۴۰۳۳۳
۲۳.شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۳۸۷،۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۶۱۱۳ فرعی بنام آقای خیرالله شیخ عبدالله زاده مقناتی فرزند محمدتقی برابر تقسیم نامه بین عبدالله و محمد و خیرالله شیخ عبدالله زاده-کلاسه ۱۴۰۴۰۱۷۵
۲۴.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۹۷٫۶۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۶۹۲۹ فرعی بنام آقای حمید سلطان پوری مقناتی فرزند علی ستار برابر تقسیم نامه علی ستار سلطانیپوری-کلاسه ۱۴۰۴۰۲۹۹
۲۵.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۳۲۷۷،۰۴ مترمربع مفروز و مجزا شده از (پلاک ۲۸۱۵ و ۲۸۱۸ فرعی استانداردسازی شده به پلاک ۹۴۴۲ فرعی)بنام آقای عین اله اسدزاده مقناتی فرزند بداله برابر تقسیم نامه وراث بدالله اسدزاده-کلاسه ۱۴۰۳۰۲۷۲
۲۶.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی-باغی به مساحت ۴۴۷۸٫۲۵ مترمربع مفروز و مجزا شده از (پلاک۲۰۹۵ و ۲۰۹۴) فرعی استانداردسازی شده به پلاک ۱۱۳۴۲ فرعی)بنام خانم فاطمه حسینی مقان فرزند سیدابراهیم خریداری از صاحب حسینی و تقسیم نامه وراث ابراهیم حسینی مقناتی-کلاسه ۱۴۰۴۰۴۳۰
۲۷.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی-باغی به مساحت ۱۳۱۴۰،۰۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۱۲۸۷۴استانداردسازی شده به پلاک ۱۱۴۴۱ فرعی بنام آقای اسفندیار حاجی بابازاده مقناتی فرزند علی برابر تقسیم نامه وراث علی حاجی بابازاده-۱۴۰۴۰۳۹۱
۲۸.شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۱۰،۳۳ متر مربع مفروز و مجزا شده از(پلاک۳۳۱۲فرعی استانداردسازی شده به ۱۳۵۴۶ فرعی) بنام خانم رقیه سلطانیپوری مقناتی فرزند زین العابدین برابر تقسیم نامه بین وراث زینال سلطانیپوری -کلاسه ۱۴۰۴۰۲۸۷
۲۹.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۴۱٫۹۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک(۱۶۷۰) مکرر فرعی استانداردسازی شده به ۱۳۶۵۲ فرعی) بنام آقای عبدالله فاضلی مقناتی فرزند علیقلی خریداری از گوهر افشار-کلاسه ۱۴۰۴۰۲۶۸

آگهی از پلاک ۷ اصلی واقع در اراضی بادامیار بخش ۳۸ تبریز
۳۰.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۱۱۲۷٫۵۸ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۸۰۸ فرعی بنام خانم افسانه ترابی مقنآن فرزند فتح اله خریداری از وراث فتح اله ترابی بادامیار فرزند حیدرقلی خریداری از حیدر قلی فتحی-کلاسه ۱۴۰۴۰۶۳۶

آگهی از پلاک ۱۰ اصلی واقع در اراضی خراجو بخش ۳۸ تبریز
۳۱.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۸۰۷،۳۴مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام خانم لیلى محمدیان فرزند احمد – مطالبه مهریه طی مزایده شماره ۵۵۵۶۵۸-۱۴۰۴۰۳۰۰۰۰۰۶۵۵۶۵۸-کلاسه ۱۴۰۴۰۱۰۲۳
۳۲.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۶۱۲٫۷۶ مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای محمد صداقت اصل فرزند مرحمرعلی خریداری ازعبدالله خراجویی-

کلاسه۱۴۰۲۱۱۵۵
آگهی از پلاک ۱۱ اصلی واقع در اراضی نادینلو بخش ۳۸ تبریز
۳۳.شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۳۰۷،۹۲مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام خانم شکوره موسوی نادینلوی فرزند محمود- ارث پدری طی تقسیم نامه عادی-کلاسه ۱۴۰۴۱۰۵۶
۳۴.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۵۸۴۳٫۹۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای حسن حیدری دهخوارقانی فرزند رسول خریداری از احمد اصل نامدار الوانق -کلاسه ۱۴۰۵۰۱۲۷
۳۵.دوسهم شناع از ۱۰ سهم شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۷۷،۵۸مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای حسین آقازاده جلفانی فرزند محمد -برابر ارث پدری طی تقسیم نامه عادی -کلاسه ۱۴۰۴۱۰۳۴
۳۶.دوسهم شناع از ۱۰ سهم شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۷۷،۵۸مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای عبدالحسین آقازاده جلفانی فرزند محمد برابر ارث پدری طی تقسیم نامه عادی -کلاسه ۱۴۰۴۱۰۳۳
۳۷.دوسهم شناع از ۱۰ سهم شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۷۷،۵۸مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای رحیم آقازاده جلفانی فرزند محمد -برابر ارث پدری طی تقسیم نامه عادی -کلاسه ۱۴۰۴۱۰۳۶
۳۸.دوسهم شناع از ۱۰ سهم شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۷۷،۵۸مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای کریم آقازاده جلفانی فرزند محمد برابر ارث پدری طی تقسیم نامه عادی -کلاسه ۱۴۰۴۱۰۳۷۰
۳۹.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۳۷۷،۵۸مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۸۷ فرعی بنام آقای بهنام مرادزاده فرزند محمد برابر تقسیم نامه وراث محمد مرادزاده ایلخچی-کلاسه ۱۴۰۴۰۰۷۹

آگهی اصلاحي
آگهی از پلاک ۷ اصلی واقع در اراضی باداميار بخش ۳۸ تبریز
۵۱.شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۳۷۱۵٫۶۱ مترمربع مفروز و مجزا شده از اصلی مذکور بنام آقای بیوک فتحی باداميار فرزند حیدرقلی خریداری از حیدر قلی فتحی-کلاسه ۵۸۸۵۳۶
لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح فوق به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به آراء صادره متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تحویل دهند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات اسناد مالکیت صادر خواهد شد. همچنین مدت اعتراض به آگهی اصلاحی یک ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی می باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

می‌کند. امروز که کودکان بیش از هر زمان دیگری در معرض رسانه‌های پرشتاب، تصاویر کوتاه، پیام‌های پراکنده و محرک‌های لحظه‌ای قرار دارند، نقش والدین کتاب‌خوان اهمیت بیشتری یافته است. در جهانی که توجه انسان هر روز کوتاه‌تر می‌شود، پدر و مادری که با آرامش کتابی را می‌خوانند، در حقیقت تنها یک رفتار شخصی انجام نمی‌دهند؛ آنان از ارزشی بنیادین دفاع می‌کنند: ارزش تأمل، تمرکز و گفت‌وگوی عمیق با جهان.

شاید به همین دلیل است که آینده فرهنگ مطالعه، بیش از آنکه در کتابخانه‌ها یا مدارس رقم بخورد، در اتاق نشیمن خانه‌ها شکل می‌گیرد. کودکی که بارها پدر یا مادر خود را در حال مطالعه دیده است، حتی اگر سال‌ها بعد کتاب‌خوان شود، در واقع از همان روزهای کودکی آموزش خود را آغاز کرده است. او آموخته است که انسان برای رشد کردن، باید بخواند؛ نه به این دلیل که کسی او را مجبور کرده است، بلکه زیرا کسانی که دوستانش دارد، چنین زندگی می‌کنند. در نهایت، اگر بخواهیم تنها یک توصیه به پدران و مادرانی داشته باشیم که آرزو دارند فرزندان‌ی کتاب‌خوان تربیت کنند، آن توصیه شاید این باشد: کمتر درباره کتاب‌خوانی سخن بگویید و بیشتر کتاب بخوانید.

فرهنگ مطالعه، با نصیحت آغاز نمی‌شود؛ با دیدن آغاز می‌شود. کودکان، آنچه را از زبان والدین می‌شنوند، ممکن است فراموش کنند؛ اما آنچه را در زندگی آنان می‌بینند، به بخشی از شخصیت خود تبدیل می‌کنند. از همین رو، هر صفحه‌ای که پدر یا مادری با عشق می‌خواند، در حقیقت تنها صفحه‌ای از یک کتاب نیست؛ صفحه‌ای از آینده فرهنگی فرزند خویش را نیز ورق می‌زند.

محمدمهدی سیدناصری
حقوق‌دان، مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان

بحران آب و انرژی در ایران و جهان



طرح نو؛ سردبیر

جهان امروز با بحران‌های همزمان و فزاینده‌ای در دو حوزه حیاتی آب و انرژی روبرو است. تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، توسعه صنعتی و الگوهای مصرف ناپایدار، فشار بی‌سابقه‌ای را بر منابع طبیعی وارد کرده و امنیت آبی و انرژی را در سراسر جهان به چالش کشیده است. این مطلب کوتاه به بررسی ابعاد مختلف این بحران‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی و اقتصادی آن می‌پردازد.

بحران جهانی آب؛ از کمبود تا آلودگی

کمبود آب آشامیدنی و مصارف کشاورزی یکی از جدی‌ترین چالش‌های قرن ۲۱ در جهان و از جمله در ایران است. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد، بیش از دو میلیارد نفر در جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و پیش‌بینی می‌شود این رقم با تشدید تغییرات اقلیمی و افزایش خشکسالی‌ها، افزایش یابد. مناطق نیمه‌خشک و خشک، به ویژه در آفریقا، خاورمیانه و بخش‌هایی از آسیا، بیشترین آسیب را از این بحران متحمل می‌شوند. علاوه بر کمبود فیزیکی آب، آلودگی منابع آبی ناشی از فاضلاب‌های صنعتی، کشاورزی و شهری، کیفیت آب موجود را نیز به شدت کاهش داده و دسترسی به آب سالم را محدودتر کرده است.

بحران انرژی؛ وابستگی و ناپایداری

همزمان، جهان با بحران انرژی دست و پنجه نرم می‌کند. وابستگی شدید اقتصاد جهانی به سوخت‌های فسیلی، علاوه بر تشدید تغییرات اقلیمی از طریق انتشار گازهای گلخانه‌ای، موجب ناپایداری در بازارهای انرژی و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی شده است. نوسانات قیمت نفت و گاز، قطع زنجیره‌های تأمین و مناقشات منطقه‌ای، امنیت انرژی بسیاری از کشورها را تهدید می‌کند. هرچند تلاش‌های قابل توجهی برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر مانند خورشیدی و بادی در جریان است، اما سرعت گذار به این منابع پاک و پایدار، هنوز برای پاسخگویی به تقاضای رو به رشد انرژی کافی نیست.

پیوندهای ناگستنی آب و انرژی

این دو بحران به طور تنگاتنگی به یکدیگر مرتبط هستند. تولید بسیاری از اشکال انرژی، به ویژه انرژی هسته‌ای و سوخت‌های فسیلی، نیازمند حجم عظیمی از آب برای خنک‌سازی است. از سوی دیگر، تأمین آب سالم برای مصارف آشامیدنی، کشاورزی و صنعتی، به انرژی برای پمپاژ، تصفیه و توزیع نیاز دارد. خشکسالی‌ها می‌توانند تولید برق آبی را مختل کرده و منابع آب لازم برای نیروگاه‌های حرارتی و هسته‌ای را کاهش دهند. این وابستگی متقابل، هرگونه اختلال در یکی از این بخش‌ها را به بخش دیگر نیز سرایت داده و تشدید می‌کند.

پیامدهای منطقه‌ای و جمعیتی

تأثیرات بحران آب و انرژی بر مناطق مختلف جهان متفاوت است، اما کشورهای در حال توسعه و جوامع آسیب‌پذیر، بیشترین فشار را تحمل می‌کنند. مهاجرت‌های ناشی از کمبود آب، درگیری بر سر منابع آبی مشترک و ناامنی غذایی، از جمله پیامدهای اجتماعی و سیاسی این بحران‌ها هستند. تغییرات اقلیمی نیز با افزایش وقوع رویدادهای شدید آب و هوایی مانند سیل، خشکسالی و طوفان، این چالش‌ها را تشدید می‌کند.

راهکارها و چشم‌انداز آینده

مدیریت پایدار منابع آب، سرمایه‌گذاری گسترده در انرژی‌های تجدیدپذیر، بهبود بهره‌وری انرژی و آب، و توسعه فناوری‌های نوین، از جمله راهکارهای کلیدی برای مقابله با این بحران‌ها هستند. همکاری‌های بین‌المللی، انتقال دانش و فناوری، و اتخاذ سیاست‌های قاطعانه برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی، برای تضمین آینده‌ای امن و پایدار ضروری است.

ناترازی انرژی و بحران آب در ایران

در ایران، وضعیت بحران آب و انرژی ابعاد ویژه‌ای پیدا کرده است. ناترازی شدید در تولید و مصرف انرژی، به ویژه در بخش برق و گاز، کشور را با چالش‌های جدی روبرو ساخته است. سرمایه‌گذاری ناکافی در زیرساخت‌های انرژی، فرسودگی شبکه‌ها و وابستگی به سوخت‌های فسیلی، همراه با رشد فزاینده مصرف، منجر به کمبودهای مکرر و محدودیت‌های اعمال شده بر مشترکین در فصول اوج مصرف شده است. این وضعیت، علاوه بر تأثیرات اقتصادی، نارضایتی عمومی را نیز به همراه داشته و ضرورت بازنگری اساسی در سیاست‌های انرژی کشور را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

همزمان، ایران با بحران کمبود آب آشامیدنی و کشاورزی دست و پنجه نرم می‌کند. کاهش چشمگیر بارش‌ها در سال‌های اخیر، افت شدید سطح سفره‌های زیرزمینی، و فرسودگی و ناکارآمدی شبکه‌های توزیع آب، وضعیت را بحرانی‌تر کرده است. بخش کشاورزی که بخش عمده‌ای از مصرف آب را به خود اختصاص می‌دهد، با روش‌های سنتی و ناکارآمد، فشار مضاعفی بر منابع آبی وارد می‌کند. این کمبود آب نه تنها امنیت غذایی کشور را تهدید می‌کند، بلکه با تشدید رقابت بر سر منابع آبی محدود، می‌تواند به تنش‌های اجتماعی و منطقه‌ای نیز دامن بزند. مقابله با این بحران دوگانه، نیازمند رویکردی جامع و پایدار در سطوح ملی و منطقه‌ای است.

گزارش

طرح نو؛ شیوا آذرشاه

گذار از خودروهای درون‌سوز به برقی، فراتر از یک تغییر در نوع پيشرانه، بازتعریف کامل ساختار زنجیره ارزش صنعت خودرو است. در این پارادایم جدید، مزیت رقابتی از اجزای مکانیکی (موتور و گیربکس) به سمت لایه‌های فناوری‌محور شامل باتری، الکترونیک قدرت، نرم‌افزار، مدیریت انرژی و اتصال‌پذیری حرکت کرده است. در این عرصه، رقابت میان کشورها تنها بر سر تولید خودرو نیست، بلکه بر سر تسلط بر فناوری، مواد اولیه، داده‌ها و زیرساخت‌های انرژی است. در این میان، تجربه شرکت **Togg** ترکیه که از سال ۲۰۱۸ با هدف ایجاد یک «برند فناوری‌محور» آغاز شد، نمونه‌ای برجسته از تلاش برای ورود به اکوسیستم‌های جدید تحرک هوشمند است.

گذار جهانی از خودروهای درون‌سوز به خودروهای برقی صرفاً جایگزینی یک فناوری پیشرانه با فناوری دیگر نیست، بلکه نشان‌دهنده تغییری بنیادین در ساختار زنجیره ارزش صنعت خودرو است؛ چرا که در خودروهای سنتی، موتور احتراقی، گیربکس و مجموعه‌ای از قطعات مکانیکی بخش مهمی از مزیت فناورانه را تشکیل می‌دهند. در حالی که در خودروی برقی، اهمیت باتری، الکترونیک قدرت، نرم‌افزار، مدیریت انرژی، اتصال‌پذیری و زیرساخت شارژ به طرز چشمگیری افزایش یافته است و رقابت بر سر این خودروها هم‌زمان به رقابت بر سر فناوری، انرژی، مواد اولیه، داده و ظرفیت صنعتی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تجربه ترکیه و شرکت **Togg** که در سال ۲۰۱۸ تأسیس شد و تولید انبوه خود را در اکتبر ۲۰۲۲ در کارخانه **Gemlik** آغاز کرد اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، زیرا این شرکت از ابتدا خود را صرفاً یک خودروساز معرفی نکرد، بلکه هدف خود را ایجاد یک برند فناوری‌محور و یک اکوسیستم جدید در حوزه حمل‌ونقل هوشمند قرار داد و با معرفی مدل شاسی‌بلند **T1۰X** و متعاقباً **سدان T۱۰F**، گام‌های اولیه را در این مسیر برداشت.

اهمیت این تجربه زمانی بیشتر شد که **Togg** در سپتامبر ۲۰۲۵ ورود خود به بازار آلمان را با عرضه این دو مدل اعلام کرد. اقدامی که از سوی خیرگزاری روتترز به عنوان بخشی از تلاش این شرکت برای گسترش بازار، افزایش مقیاس تولید و رسیدن به سودآوری ارزیابی شد؛ زیرا بازار داخلی ترکیه که در سال ۲۰۲۴ حدود ۳۰ هزار دستگاه و تا اوت ۲۰۲۵ با رشد ۴۲ درصدی حدود ۱۱ هزار دستگاه از محصولات **Togg** را جذب کرده بود، به تنهایی برای تحقق اهداف بلندمدت شرکت کافی نیست و کارشناسان صنعت فروش سالانه حدود ۲۰۰ هزار دستگاه را برای رسیدن به نقطه سودآوری برآورد می‌کنند، بنابراین پرسش اصلی دیگر این نیست که آیا ترکیه یک خودروی برقی تولید کرده است یا خیر، بلکه پرسش مهم‌تر آن است که آیا ترکیه توانسته از تولید خودرو به سمت ایجاد یک زنجیره ارزش فناورانه حرکت کند و چه بخشی از این تجربه می‌تواند برای صنعت خودروی ایران قابل استفاده باشد.

شرکت **Togg** در ساختار خود تلاش کرده است میان خودرو، فناوری دیجیتال، انرژی و زیرساخت ارتباط برقرار کند و این اکوسیستم را در چهار محور اصلی شامل خود خودرو، **Togg**، ذخیره‌سازی انرژی و باتری در قالب شرکت **Siro**، زیرساخت شارژ و برند **Trugo** و خدمات و تجربه دیجیتال در پلتفرم **Trumore** تعریف کرده است تا بر استراتژی ایجاد یک اکوسیستم متحرک با مالکیت فکری متعلق به خود، فناوری دیجیتال، انرژی و زیرساخت ارتباط برقرار کند و این اکوسیستم را در چهار محور اصلی شامل خود خودرو، **Togg**، ذخیره‌سازی انرژی و باتری در قالب شرکت **Siro**، زیرساخت شارژ و برند **Trugo** و خدمات و تجربه دیجیتال در پلتفرم **Trumore** صرفاً یک اپلیکشن جانی خودرو نیست، بلکه خدماتی مانند مسیریابی، پرداخت، خدمات مالی، ارتباط با خودرو، کلید دیجیتال و فروشگاه برنامه‌ها را در یک محیط دیجیتال ادغام می‌کند و نشان می‌دهد بخش مهمی از ارزش افزوده خودروی آینده خارج از قطعات فیزیکی و در حوزه نرم‌افزار خلق می‌شود، به طوری که کل این پروژه را می‌توان تلاشی برای حرکت از مدل سنتی خودروسازی به مدل فناوری و تحرک هوشمند دانست.

ورود **Togg** به بازار آلمان در سپتامبر ۲۰۲۵ آزمون واقعی این استراتژی به شمار می‌رود، زیرا شرکت را از بازار نسبتاً حمایت‌شده و در حال رشد ترکیه وارد یکی از رقابتی‌ترین، استانداردگذاری‌شده‌ترین و سخت‌گیرانه‌ترین بازارهای خودروی جهان می‌کند که نه تنها یک بازار فروش، بلکه سنجه‌ای برای ارزیابی

کیفیت، فناوری، خدمات پس از فروش و اعتبار برند است و موفقیت در آن مسیر ورود به سایر بازارهای اروپایی را هموار می‌سازد، در حالی که شکست در دستیابی به مقیاس مناسب می‌تواند محدودیت‌های یک برند نوظهور را نمایان کند. به همین دلیل، نباید ورود به آلمان را به معنای موفقیت قطعی شرکت یا افزایش فروش داخلی را به معنای اثبات سودآوری پایدار تلقی کرد، بلکه ارزش تحلیلی این اقدام در این است که **Togg** اکنون مجبور است توانایی و رقابت‌پذیری خود را در یک بازار آزاد اثبات کند، موضوعی که روتترز نیز آن را در چارچوب تلاش برای دستیابی به درآمد بیشتر و بقای مالی تحلیل کرده است.

اهمیت پروژه **Togg** را باید در متن تحول بزرگ‌تر صنعت خودرو و انرژی جهان بررسی کرد، چرا که طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، فروش جهانی خودروهای برقی در سال ۲۰۲۵ از ۲۰ میلیون دستگاه عبور کرد و حدود یک‌چهارم خودروهای جدید فروخته‌شده در جهان برقی بودند و پیش‌بینی می‌شود این رقم در سال ۲۰۲۶ به حدود ۲۳ میلیون دستگاه برسد.

هم‌زمان، مرکز ثقل زنجیره تولید نیز به سمت فناوری‌های جدید حرکت کرده است و چین در سال ۲۰۲۵ حدود ۷۵ درصد تولید جهانی خودروهای برقی و بیش از ۸۰ درصد تولید سلول‌های باتری را در اختیار داشت که این تمرکز شدیدی نشان می‌دهد خودروی برقی فراتر از یک موضوع زیست‌محیطی، به یکی از عرصه‌های اصلی رقابت صنعتی و ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. برای ترکیه، توسعه خودروی برقی فرصتی برای ورود به این زنجیره ارزش جدید صنعتی شامل باتری، الکترونیک، نرم‌افزار و زیرساخت شارژ است و این پیوند میان حمل‌ونقل و انرژی در سیاست‌های کلان کشور نیز دیده می‌شود، به طوری که در ژوئن ۲۰۲۶، بانک جهانی ۴۰۰ میلیون یورو تأمین مالی جدید برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر توزیع‌شده و ذخیره‌سازی باتری در ترکیه تصویب کرد تا از ایجاد حدود ۳۹۲ مگاوات‌ساعت ظرفیت ذخیره‌سازی حمایت کند و صدها میلیون دلار سرمایه خصوصی را نیز بسیج نماید، که این امر نشان می‌دهد **Togg** بخشی از یک تحول صنعتی بزرگ‌تر است که در آن حمل‌ونقل برقی، ذخیره‌سازی انرژی و گذار به انرژی‌های پاک به یکدیگر متصل می‌شوند.

اگر قرار باشد میزان عمق فناوری در صنعت خودروهای برقی ترکیه سنجیده شود، باتری یکی از مهم‌ترین معیارها خواهد بود؛ زیرا زنجیره باتری از استخراج و فرآوری مواد اولیه آغاز شده و پس از تولید مواد فعال، سلول، ماژول و پک، به سیستم مدیریت باتری و ادغام آن با خودرو می‌رسد، بنابراین صرف تولید یک پک باتری در داخل کشور به معنای مالکیت کامل فناوری باتری نیست. ترکیه در این زمینه از طریق شرکت **Siro** وارد مرحله مهمی از زنجیره شده و تولید ماژول و پک باتری را در مارس ۲۰۲۳ در **Gemlik** با ظرفیت اولیه ۳ گیگاوات‌ساعت در سال آغاز کرد که برنامه افزایش آن به ۲۰ گیگاوات‌ساعت تا سال ۲۰۳۱ مطرح شده است؛ با این حال، استفاده از مشارکت پنجاه‌پنجاه با **Farasis** نشان می‌دهد که ترکیه برای توسعه باتری به همکاری با یک شریک خارجی متوسل شده است و نمی‌توان آن را نمونه‌ای از استقلال کامل و خودکفایی سنتی دانست. اما از سوی دیگر، همکاری خارجی لزوماً به معنای وابستگی دائمی نیست، زیرا هدف اعلام‌شده از این سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال دانش و توسعه فناوری‌های نسل بعدی از جمله تولید سلول در داخل کشور است، بنابراین پرسش اساسی این نیست که آیا ترکیه از فناوری خارجی استفاده می‌کند، بلکه این است که آیا این همکاری به ایجاد قابلیت داخلی برای یادگیری، تولید، توسعه و در نهایت نوآوری منجر می‌شود یا خیر؛ نقطه‌ای که مفهوم استقلال فناوری را از مفهوم سنتی خودکفایی جدا می‌کند.

استقلال فناوری؛

درس‌هایی از تجربه Togg برای صنعت خودروی ایران

ذخیره‌سازی انرژی و در نهایت صادرات متصل شود. اگر سیاست صنعتی ایران تنها بر تولید نهایی خودرو متمرکز شود، بخش مهمی از ارزش افزوده و دانش فنی در مراحل بالادستی و پایین‌دستی باقی خواهد ماند و تولید یک خودروی برقی به تنهایی نمی‌تواند نشانه استقلال فناوری باشد، بلکه آنچه اهمیت دارد ایجاد قابلیت در بخش‌هایی است که بیشترین ارزش فناورانه و راهبردی را در آینده صنعت خودرو ایجاد می‌کنند.

نخستین درس این تجربه برای ایران، حرکت از مفهوم خودروی ملی به سمت زنجیره ملی فناوری است، به طوری که اولویت نباید صرفاً تولید یک خودروی برقی ملی مشابه باشد که به مونتاژ قطعات و واردات فناوری‌های کلیدی محدود شود، بلکه پروژه خودرو باید به عنوان یک زنجیره صنعتی و فناورانه طراحی گردد تا توسعه تدریجی قابلیت‌هایی مانند باتری، موتور الکتریکی، الکترونیک قدرت، سیستم مدیریت باتری، نرم‌افزار خودرو و زیرساخت شارژ در اولویت قرار گیرد و همکاری‌های خارجی نیز مشروط به انتقال دانش، آموزش نیروی انسانی، تحقیق و توسعه مشترک و ارتقای سهم فناوری داخلی باشد. درس دوم، متصل کردن صنعت خودرو به سیاست‌های کلان انرژی است؛ زیرا خودروی برقی صرفاً یک مصرف‌کننده سوخت جایگزین نیست، بلکه به عنوان بخشی از اکوسیستم انرژی آینده در پیوند میان انرژی‌های تجدیدپذیر، ذخیره‌سازی و مدیریت هوشمند شبکه تعریف می‌شود و توسعه آن در ایران بدون برنامه مشخص برای تأمین برق و مدیریت بار، تنها فشار را از بخش نفت و بنزین به شبکه برق منتقل می‌کند، در حالی که الگوی ترکیه نشان می‌دهد توسعه بازار خودرو هم‌گام با سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی باتری و انرژی‌های پاک پیش می‌رود.

درس سوم این است که نرم‌افزار بخش جدایی‌ناپذیر استقلال فناوری است، زیرا در خودروهای جدید ارزش محصول دیگر در قطعات مکانیکی خلاصه نمی‌شود و سیستم‌های ارتباطی، مدیریت انرژی، به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری و هوش مصنوعی بخش عمده‌ای از ارزش اقتصادی خودرو را تشکیل می‌دهند که ساده‌تر شدن پیشرانه برقی نیز این ادغام دیجیتال را سرعت می‌بخشد؛ موضوعی که **Togg** با توسعه پلتفرم **Trumore** از ابتدا در معماری محصول خود قرار داد و برای ایران به این معناست که سیاست‌گذاری خودروی برقی نباید صرفاً در وزارتخانه‌ها و شرکت‌های خودروسازی سنتی محدود بماند، بلکه باید شرکت‌های نرم‌افزاری، الکترونیک، هوش مصنوعی، مخابرات و انرژی نیز در این اکوسیستم مشارکت فعال داشته باشند. درس

چهارم به توازن میان حمایت صنعتی و ایجاد رقابت اشاره دارد، چرا که حمایت دائمی و بدون شرط از یک شرکت داخلی بدون الزام آن به افزایش بهره‌وری، وابستگی به حمایت دولتی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر حذف ناگهانی حمایت نیز صنایع نوپا را نابود می‌سازد، بنابراین ایران باید مدل حمایت مشروط، زمان‌دار و مبتنی بر عملکرد را در پیش بگیرد که شرکت‌ها را هم‌زمان به تحقیق و توسعه، کاهش هزینه و افزایش کیفیت سوق دهد. در نهایت، درس پنجم بر ضرورت صادرات‌محور بودن پروژه از همان مراحل طراحی اولیه تأکید می‌کند؛ زیرا صنعت خودروی برقی دستیابی به مقیاس اقتصادی به بازارهای بزرگ نیاز دارد و اقدام **Togg** برای ورود به بازار رقابتی آلمان نشان داد بازار داخلی به عنوان مقصد نهایی در نظر گرفته نشده است، لذا تولید خودروی برقی در ایران نیز تنها زمانی به یک پروژه صنعتی پایدار تبدیل می‌شود که ابتدا با استانداردهای صادراتی، قیمت رقابتی و قابلیت خدمات پس از فروش در بازارهای بین‌المللی طراحی شود و بتواند از مرزهای بازار داخلی عبور کند. در نتیجه‌گیری باید گفت هرچند **Togg** هنوز نمی‌تواند به عنوان یک موفقیت قطعی اقتصادی معرفی شود و همچنان باید توانایی خود را در افزایش مقیاس تولید، دستیابی به سودآوری و رقابت پایدار در بازار اروپا اثبات کند، اما تجربه آن تا همین‌جا نیز نشان می‌دهد که چگونه می‌توان خودروی برقی را نه به عنوان یک محصول منفرد، بلکه در پیوند با باتری، ذخیره‌سازی انرژی، زیرساخت شارژ، نرم‌افزار و بازار صادراتی توسعه داد. مهم‌ترین درس برای سیاست‌گذار ایرانی این است که استقلال فناوری به معنای قطع تمام وابستگی‌های خارجی و انزوا نیست، بلکه به معنای ایجاد توانایی برای یادگیری، توسعه، انتخاب، جایگزینی و در نهایت صادرات فناوری است؛ بنابراین ایران بدون نیاز به تکرار موهبه و تقلیدی مدل **Togg**، باید منطق این تجربه را به کار گیرد و به جای تمرکز صرف بر محصول نهایی، زنجیره ارزش را هدف قرار دهد تا گذار به خودروهای برقی به جای یک تغییر ساده در نوع خودرو، به فرصتی واقعی برای بازسازی صنعتی، توسعه فناوری و حرکت به سمت اقتصاد کم‌کربن تبدیل شود.

رئیس ثبت اسناد و املاک میانه

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کیود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۲۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸

لینتوگرافی و چاپ: پرنیان

خبر

در طول هفته گذشته صورت گرفت؛

آسفالت ریزی بیش از دو هزار تنی در

معابر سطح حوزه شهرداری

منطقه ۲ تبریز



طرح نو؛ گروه شهری
شهردار منطقه ۲ از آسفالت ریزی بیش از دو هزار تنی در معابر سطح حوزه این منطقه در طول هفته گذشته خبر داد. به گزارش امور ارتباطات، عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: آسفالت ریزی شریان های اصلی و فرعی و بهسازی چند کوی و محله سطح حوزه در راستای رفاه حال شهروندان توسط اکیپ آسفالت معاونت فنی و عمرانی منطقه ۲ به انجام رسیده و برای انجام این عملیات در طول هفته گذشته از دو هزار و ۴۵۰ تن آسفالت استفاده شده است.

وی، بیشترین حجم آسفالت ریزی هفته گذشته شهرداری منطقه ۲ را بهسازی باند کندرو جاده اتل گلی اعلام کرد و افزود: برای آسفالت ریزی این مسیر که از مهمترین گذرهای شهری سطح

گزارش

شریان‌های نامریی خاوران؛ آزمونی برای عبور تبریز از عصر «توسعه سطحی»

طرح نو؛ بیژن آقاییگی
تصویب قرارداد آماده‌سازی فاز ۲ شهرک خاوران در شورای اسلامی شهر تبریز و واگذاری اجرای آن به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا، فراتر از یک رویداد عمرانی معمول است؛ این تصمیم یک نقطه عطف مدیریتی برای کلان‌شهر تبریز به شمار می‌آید. زمین خاوران هنوز بکر است، ماشین‌آلات سنگین در محل مستقرند و مجری پروژه از توان فنی بالایی برخوردار است؛ فرصتی که معمولاً یکبار در طول یک نسل نصیب یک شهر می‌شود.

حال پرسش این است: آیا فاز ۲ خاوران به الگویی نوین در شهرسازی تبریز بدل خواهد شد، یا اشتباهات ساختاری دهه‌های گذشته در زمینی تازه تکرار می‌شود؟

۱- سندروم «آسفالت یک‌بارمصرف»؛ هزینه سنگین ناهماهنگی

تصویر امروز بسیاری از معابر کلان‌شهرهای ایران، از جمله تبریز، آکنده از نوار چهل‌تکه آسفالت‌های ترمیمی و چاهک‌های غیراستاندارد است. سناریو تقریباً همیشه یکسان است: شهرداری معبری را با هزینه‌ای گزاف آسفالت می‌کند؛ چندی بعد شرکت آب و فاضلاب آن را می‌شکافد؛ اندکی پس از ترمیم، اداره گاز با مخابرات دوباره کلنگ تخریب را بر زمین می‌کوبد. این چرخه «حفاری-آسفالت-حفاری»، به گفته کارشناسان مدیریت شهری، نمونه بارز «توسعه بی‌هدف و ناهماهنگ» است؛ رویکردی که علاوه بر تحمیل هزینه‌های سالانه سنگین برای لکه‌گیری، عمر مفید آسفالت را از استاندارد نزدیک به ۱۵ سال، به کمتر از دو یا سه سال کاهش می‌دهد. این الگو، سابقه‌ای تلخ در همین منطقه دارد. سال ۱۳۸۸، هم‌زمان با آغاز کار شهرداری منطقه ۹ در شهرک خاوران، یکی از اعضای وقت شورای اسلامی شهر از شهردار وقت تبریز خواست پیش از احداث معابر، کانال‌های عمیق و عریض فاضلاب و مسیرهای مشترک انتقال تأسیسات شهری اجرا شود؛ تا آسفالت خیابان‌ها هرگز برای پروژه‌های خدماتی دوباره شکافته نشود. آن پیشنهاد شنیده و حتی تأیید شد، اما هرگز به یک قاعده اجرایی الزام‌آور بدل نشد. نتیجه آن غفلت را امروز در حفاری‌های مکرر و خیابان‌های زخم‌خورده فاز یک خاوران می‌بینیم؛ سندی عینی از یک فرصت‌سوزی

طرح نو

رتبه ۲ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شهردار تبریز خبر داد:

آغاز احداث پارکینگ طبقاتی

پارک باغشمال با

ظرفیت ۱۵۰۰ خودرو

طرح نو؛ گروه شهری
شهردار تبریز از آغاز عملیات احداث پارکینگ طبقاتی پارک باغشمال با ظرفیت یک هزار و ۵۰۰ خودرو خبر داد. یعقوب هوشیار با اعلام این خبر اظهار کرد: در پی نیاز جدی به تأمین پارکینگ در مجاورت پارک باغشمال و با توجه به نظرسنجی انجام‌شده از سوی اداره کل ارتباطات شهرداری تبریز که طی آن ۸۰ درصد شهروندان شرکت‌کننده خواستار احداث پارکینگ در این محدوده بودند، عملیات اجرایی این پروژه در سریع‌ترین زمان ممکن آغاز شد. وی افزود: این پارکینگ در ضلع جنوبی خیابان آزادی و روبه‌روی پارک باغشمال و عمارت تاریخی کلاه فرنگی، در زمینی به مساحت حدود ۴۵ هزار مترمربع و در سه طبقه سازه‌ای احداث می‌شود و ظرفیت پارک یک هزار و ۵۰۰ خودرو را خواهد داشت. هوشیار همچنین از پیش‌بینی یک مسیر دسترسی ایمن و

مستقیم میان پارکینگ و پارک باغشمال خبر داد و گفت: به منظور افزایش ایمنی و سهولت تردد شهروندان، یک عابر پیاده زیرگذر در این پروژه پیش‌بینی شده است که از زیر خیابان آزادی عبور کرده و پارکینگ را به مجموعه پارک باغشمال متصل خواهد کرد. وی افزود: ایجاد این مسیر زیرزمینی موجب می‌شود شهروندان پس از پارک خودرو، بدون نیاز به عبور از عرض خیابان آزادی و در شرایطی ایمن، مستقیماً وارد پارک باغشمال شوند. این موضوع به‌ویژه در زمان برگزاری برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و مناسبتی که حجم تردد شهروندان در این محدوده افزایش می‌یابد، اهمیت ویژه‌ای دارد. شهردار تبریز خاطرنشان کرد: در اجرای این پروژه تلاش شده است ضمن توجه به مسائل فنی و سازه‌ای، موضوع دسترسی، ایمنی، سهولت استفاده شهروندان و همچنین

پیشرفت فیزیکی ۳۰ درصدی پروژه مرکز اداری و خدماتی سبزه میدان تبریز

این مرکز ادامه دارد.

قوام خاطر نشان کرد مرکز اداری و خدماتی سبزه میدان با هدف ساماندهی فعالیتها، تمرکز خدمات و تسهیل دسترسی شهروندان به خدمات و کالاهای مورد نیاز اجرا می شود و بهره برداری از آن می تواند در ارتقای کیفیت خدمات شهری و افزایش رضایتمندی شهروندان موثر باشد.

اداری و خدماتی سبزه میدان اظهار کرد عملیات اجرایی این پروژه با برنامه ریزی انجام شده در حال پیشرفت بوده و تاکنون ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. وی افزود برای اجرای این پروژه ۳۵۰ میلیارد ریال بودجه عمرانی در نظر گرفته شده و روند اجرای عملیات عمرانی با هدف تکمیل و بهره برداری از

طرح نو؛ گروه شهری
مدیر عامل سازمان ساماندهی مشاغل و فرآورده های کشاورزی شهرداری تبریز از پیشرفت فیزیکی ۳۰ درصدی پروژه مرکز اداری و خدماتی سبزه میدان خبرداد و گفت: برای اجرای این پروژه ۳۵۰ میلیارد ریال بودجه عمرانی اختصاص یافته است. یوسف قوام با اشاره به روند اجرای پروژه مرکز

مهم‌ترین مزیت فاز ۲ خاوران این است که هنوز با بافتی متراکم، ساخته‌شده و «حافظه‌دار» روبه‌رو نیستیم. در محلات قدیمی یا حتی توسعه‌یافته تبریز، هرگونه اصلاح بنیادین مسیر تأسیسات به معنای تملک اراضی، اختلال در رفت‌وآمد ساکنان، تخریب روسازی موجود و تنش اجتماعی است. اما در خاوران، این هزینه‌های پسینی هنوز شکل نگرفته‌اند؛ زمین در مرحله‌ای است که پیش از تثبیت به نظر حافظه کالبدی معیوب، می‌توان مسیر درست را طراحی و اجرا کرد. در زبان برنامه‌ریزی شهری، به این وضعیت «فرصت مداخله پیش‌دستانه» گفته می‌شود؛ فرصتی که معمولاً تنها یکبار در طول عمر یک منطقه شهری پیش می‌آید. از منظر مهندسی مالی نیز، تحلیل «هزینه کل دوره طول عمر پروژه» (LCCA) نشان می‌دهد که هرچند احداث کانال مشترک تأسیسات هم‌زمان با آماده‌سازی زمین در گام نخست هزینه‌بر به نظر می‌رسد، اما در افق ده تا پانزده ساله، این سرمایه‌گذاری اولیه با حذف کامل هزینه‌های ترمیم مکرر آسفالت، توقف کابل‌کشی‌های موازی و کاهش اختلال ترافیکی، در مجموع هزینه‌های جاری و نگهداری شهر را به میزان قابل‌توجهی کاهش می‌دهد. به بیان ساده، هزینه اجرای این کانال پیش از آسفالت، همواره به‌مراتب کمتر از هزینه اجرای آن پس از بهره‌برداری و سکونت است.

یک نمونه شناخته‌شده و مستند در این زمینه، «تونل خدمات مشترک» (Common Services Tunnel) در منطقه «مارینا بی سندز» سنگاپور است؛ سازه‌ای که از دهه ۲۰۰۰ برق، آب، مخابرات و لوله‌های سرمایش را برای کل منطقه حمل می‌کند و از ابتدای برنامه‌ریزی، دقیقاً با همین هدف طراحی شد؛ جلوگیری از حفاری مکرر خیابان‌ها برای هر توسعه جدید. تجربه مقامات شهری سنگاپور نشان داد این رویکرد، در بلندمدت هم در هزینه صرفه‌جویی می‌کند و هم قابلیت اطمینان خدمات شهری را افزایش می‌دهد، چرا که تعمیر و توسعه شبکه‌ها دیگر نیازمند تخریب سطح خیابان نیست.

۴- توان اجرایی خاتم‌الانبیا؛ فرصتی که نباید کوچک دیده شود

حضور قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا به عنوان مجری آماده‌سازی فاز ۲ خاوران، وزن فنی و اجرایی این ایده را دوچندان می‌کند. این مجموعه با در اختیار داشتن ماشین‌آلات پیشرفته حفاری

و تجربه گسترده در پروژه‌های زیرساختی سنگین، یکی از توانمندترین بازوهای اجرایی موجود برای تحقق چنین طرحی است. شهرداری تبریز نباید ظرفیت این قرارگاه را صرفاً به عملیات سنتی خاک‌برداری و تسطیح محدود کند؛ بلکه باید با تعریفی نوین، طراحی و اجرای کانال مشترک تأسیسات شهری، از جمله بهره‌گیری هوشمندانه از کانال فاضلابی که پیش‌تر زیر معابر حفاری و اجرا شده، را به عنوان پیوست فنی اصلی این پیمان مطالبه کند.

به بیان دیگر، پیش از ریخته‌شدن نخستین متر آسفالت، باید مطالعات لازم برای امکان‌سنجی عبور خطوط تأسیساتی (آب، برق، مخابرات، فیر نوری) از طریق همان کانال فاضلاب موجود انجام شود. چنین رویکردی نیازی به حفاری تازه ندارد، از ظرفیت موجود در زیر معابر بهره می‌گیرد، و در نتیجه، هم در زمان اجرا و هم در هزینه‌های آتی ترمیم آسفالت، صرفه‌جویی قابل‌توجهی برای شهرداری و شهروندان تبریز به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری: انتخابی میان تبریز گذشته و تبریز آینده

فاز ۲ خاوران فقط یک پروژه عمرانی تازه در حاشیه شرقی تبریز نیست؛ صحنه یک انتخاب تاریخی است. آیا مدیریت شهری تبریز، پس از سال‌ها تجربه حفاری‌های مکرر و معابر زخم‌خورده در فاز یک همین منطقه، حاضر است منطق کهنه «اول بساز، بعد اصلاح کن» را کنار بگذارد و به‌جای آن، منطق «پیش‌بینی کن، هماهنگ کن و پایدار بساز» را در دستور کار قرار دهد؟

پاسخ عملی، ساده و در دسترس است: انجام مطالعات فنی لازم برای هدایت تأسیسات شهری از طریق کانال فاضلاب موجود، پیش از هرگونه روسازی نهایی معابر فاز ۲ خاوران. این تصمیم، نه هزینه‌ای تجملی، که حداقل یک انتخاب عاقلانه و مسئولانه است؛ سرمایه‌گذاری کوچکی امروز، در برابر صرفه‌جویی بزرگ فردا. شورای اسلامی شهر تبریز، شهرداری و قرارگاه خاتم‌الانبیا اکنون در برابر یک آزمون روشن قرار دارند: بار دیگر شهری بسازند که اندکی بعد ناچار به شکافتن پیکرش شوند، یا این‌بار، پیش از ساختن ظاهر خاوران، شریان‌های زیرین آن را عاقلانه طراحی کنند. فردا، شهر درباره انتخاب امروز آنان قضاوت خواهد کرد.

امام صادق (ع)

ای گروه شیعیان! شما منسوب به ما هستید. پس مایه

زینت ما باشید، و مایه زشتی (بد نامی) ما نباشید

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۵ – سال بیستم – شماره ۳۶۰۴